

تاثیر سوگیری های رفتاری مدیران و مقایسه پذیری اطلاعات صورت های مالی بر تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان در بورس اوراق بهادار تهران

علیرضا عسجری^{۱*}

کریم رضوانی راز^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۵/۱۸

چکیده

یکی از روش های جدید مدیریت سود، مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی می باشد. در این روش بدون آنکه سود خالص شرکت تغییر کند، تنها با استفاده از تغییر طبقه بندی هزینه ها و درآمدها، سود شرکت مورد دستکاری قرار می گیرد. با توجه به اهمیت انواع روش های مدیریت سود؛ هدف این پژوهش تاثیر سوگیری های رفتاری مدیران و مقایسه پذیری صورت های مالی بر تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. سوگیری رفتاری مدیران در این پژوهش شامل بیش اطمینانی مدیران، خودشیفتگی و کوتاه بینی مدیران بوده است. بدین منظور از اطلاعات ۱۴۴ شرکت منتخب به روش حذف سیستماتیک طی بازه زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲ استفاده شد. نتایج حاصل از تخمین مدل رگرسیونی نشان داد که مدیران از طریق تغییر طبقه بندی اقلام صورت های مالی اقدام به مدیریت سود می کنند. همچنین نتایج نشان داد که سوگیری های رفتاری مدیران باعث افزایش مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان می شوند به عبارتی مدیران بیش اطمینان و خودشیفته بر اساس تئوری مالی- رفتاری به طور ناخود آگاه گرایش به این دارند که بازخوردهای منفی را نادیده بگیرند؛ بنابراین با اعتقاد بر اینکه با ادامه پروژه های سرمایه گذاری در حال حداکثرسازی ارزش بلندمدت ثروت سهامداران هستند، بازخوردهای منفی پروژه ها را از سرمایه گذاران پنهان می کنند و به منظور جلوگیری از مداخله سهامداران، اطلاعات گزارش شده را به طریقی مطلوب تغییر یا دستکاری کنند تا سرمایه گذاران را متقاعد نمایند که روند پروژه های جاری مطابق انتظارات می باشد. همچنین نتایج بیانگر این موضوع بود که مقایسه پذیری اطلاعات صورت های مالی منجر به کاهش مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان می شود. به عبارتی بر خلاف مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و واقعی، با افزایش قابلیت مقایسه پذیری امکان کشف مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه بندی بیشتر خواهد شد؛ زیرا مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه بندی از طریق جابجایی اقلام درآمد و هزینه ها انجام می گیرد و در مجموع سود قابل گزارش تغییری ایجاد نمی کند و کشف آن نیز آسان تر است.

واژگان کلیدی

مدیریت سود تغییر طبقه بندی، سوگیری رفتاری مدیران، قابلیت مقایسه صورت های مالی

۱. کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین المللی اروند، آبادان، ایران. (نویسنده مسئول)،

alirezaaschari9@gmail.com

۲. استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین المللی اروند، آبادان، ایران. karim.rezvani@yahoo.com

۱- مقدمه

یکی از روش‌های مدیریت سود، مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی می باشد. در این روش بدون آنکه سود خالص شرکت تغییر کند، تنها با استفاده از تغییر طبقه بندی هزینه‌های عملیاتی به هزینه‌های غیرعملیاتی، سود عملیاتی یا سود اصلی شرکت؛ مورد دستکاری قرار می گیرد. شرکت‌ها برای تغییر در طبقه بندی سود می‌توانند انگیزه‌های زیادی داشته باشند (چویی و همکاران^۱، ۲۰۲۴). مدیران شرکت‌ها زمانی که توانایی استفاده از مدیریت سود تعهدی را ندارند، اقدام به تغییر طبقه بندی می‌کنند (احمد و همکاران^۲، ۲۰۲۳). در واقع به دلیل کم توجهی حسابرسان به شیوه طبقه بندی و کم هزینه بودن تغییر طبقه بندی و با توجه به اینکه سرجمع سود تغییر پیدا نمی کند مدیران شرکت‌ها به منظور بهتر جلوه دادن وضعیت مالی به جابه جا کردن اقلام در صورت سود و زیان اقدام می‌کنند (ملک آرا، ۱۴۰۲). از جمله عواملی که می‌تواند بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی موثر باشد ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی مدیران است. پژوهش پیرامون مالی رفتاری و بالأخص سوگیری‌های رفتاری مدیران طی چند سال اخیر از جمله حوزه های بااهمیت پژوهش‌های دانشگاهی در جهان بوده است؛ اما این مبحث در ایران جز موضوعات نسبتاً جدید محسوب می‌شود. این در حالی است که ساختارهای خاص فرهنگی در ایران لزوم شناخت تئوری ها و مدل‌های تحلیلی مالی رفتاری را اجتناب ناپذیر می‌کند. به خصوص اینکه چنین موضوعی برای بسیاری از فعالان حوزه‌ی مالی، قلمرو ناشناخته ای بوده و آن‌ها لزوماً برای مقابله با چالش‌های پیش روی آن به خوبی تجهیز نیستند. مالی رفتاری کمک می‌کند تا با فرموله کردن مدل‌های رفتاری، بهتر بتوانیم شرایط شرکت‌ها و بازار را شناخته و در رفع برخی تنگناهای ناشی از الگوهای رفتاری بهتر عمل کنیم. اندیشمندان این رشته بیان می‌کنند که مالی رفتاری می‌تواند بیان کننده علت برخی استثنای‌های تجربی موجود در نظریه های رایج مالی باشد؛ زیرا گاهی افراد تحت تأثیر احساساتشان، رفتاری کاملاً متفاوت با منطق اقتصادی از خود نشان می‌دهند؛ بنابراین درک آثار ویژگی‌های شخصیتی افراد بر سازمان از اهمیت بسزایی برخوردار است (ژیائو و همکاران^۳، ۲۰۲۳). مطالعات انجام شده نشان می‌دهد یافته‌های متناقضی در خصوص تأثیر سوگیری‌های رفتاری مدیران و مقایسه پذیری اطلاعات بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی بدست آمده است. بنابراین با توجه به مطالب بیان شده و اهمیت مدیریت سود برای سهامداران این پژوهش به بررسی تأثیر سوگیری‌های رفتاری مدیران و مقایسه پذیری اطلاعات صورت‌های مالی بر تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد.

۲- مبانی نظری پژوهش

در دنیای امروز با توجه به گسترش بازارهای سرمایه و افزایش میزان سرمایه گذاری، یکی از مسائل مهم مطرح، سود حسابداری گزارش شده توسط شرکت‌ها می باشد. هر چه قدر کیفیت سود مذکور بالاتر و میزان دستکاری در آن کمتر باشد، تصمیمات صحیح گرفته شده و نهایتاً باعث تخصیص مناسب منابع مالی و افزایش رفاه خواهد شد. اهمیتی که سود حسابداری برای استفاده کنندگان از صورت‌های مالی دارد، باعث شده است که مدیریت واحد تجاری توجه خاصی به مبلغ و نحوه تهیه و ارائه آن قائل شود. بنابراین همواره این نگرانی و مشکل وجود دارد که سود به عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های عملکرد مالی شرکت‌ها، توسط مدیران که در تضاد منافع بالقوه با سهامداران عادی قرار دارند، با اهداف خاصی مدیریت شده باشد (برزنونی، ۱۴۰۲). در ادبیات حسابداری شواهدی مبنی بر موضوع مدیریت سود مبتنی بر اقلام

1 - Choi, et al

2 - Ahmed et al

3- Qiao, et al

تعهدی (هلی و والن^۱، ۱۹۹۹؛ مک‌نیکولز و ویلسون^۲، ۱۹۸۸؛ و جونز^۳، ۱۹۹۱) و مدیریت واقعی سود (به‌عنوان مثال، راجوداری^۴، ۲۰۰۶ و ژانگ^۵، ۲۰۱۸) وجود دارد و مدیران ممکن است که از راه‌های مختلفی اقدام به دستکاری سود و هموارسازی سود نمایند تا با این کار به اهداف خود دست یابند و منافع بیشتری را عاید خود کنند. بر این اساس، این روش‌ها متنوع و مختلف هستند و بستگی به استراتژی مدیریت دارد که در روش‌هایی براساس هزینه‌ها، محدودیت‌ها و زمان از هر یک از این استراتژی‌ها استفاده کنند (احمد و همکاران^۶، ۲۰۲۴). پژوهش‌های مختلف حاکی از آن است که وقتی که یک شکل از مدیریت سود محدود می‌شود و یا پر هزینه است، مدیران از شکل‌های جایگزین مدیریت سود برای رسیدن به اهداف گزارشگری خود استفاده می‌کنند (کوهن و همکاران^۷، ۲۰۱۶؛ چن و هاوارد^۸، ۲۰۱۶؛ ژانگ، ۲۰۱۲ و بانسال و بشیر^۹، ۲۰۲۲). با این حال، در ادبیات حسابداری و مالی همه اشکال مدیریت سود با هم انجام نمی‌شود. بطور کلی مدیران از سه ابزار برای مدیریت کردن سود حسابداری استفاده می‌کنند (عبداللهی، ۱۴۰۱). اولین ابزار، دستکاری اقلام تعهدی اختیاری است که مدیران از طریق اقلام تعهدی اختیاری به آرایش ارقام حسابداری مطابق با اهداف مطلوب خود می‌پردازد، اما از آنجا که اقلام تعهدی اختیاری در دوره‌های بعد معکوس می‌گردد باعث می‌شود که سودهای سنوات آتی تحت تأثیر قرار گیرد به همین خاطر، استفاده از این نوع مدیریت سود محدود می‌باشد (کیم و شون^{۱۰}، ۲۰۰۸). ابزار دوم، مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیت‌های واقعی صورت می‌گیرد. مدیران با اتخاذ برخی تصمیمات عملیاتی به سود مطلوب خویش دست می‌یابند این روش نیز هزینه‌های پنهان هنگفتی دارد، چرا که با حذف هزینه‌های تحقیق و توسعه و وجود بازارهای به شدت رقابتی سودآوری سنوات آتی تهدید خواهد شد (کالدونسکی و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۹). متعاقب روش‌های مدیریت سود مذکور، روش بالقوه سومی هم وجود دارد که بوسیله طبقه بندی گمراه کننده و فرصت-طلبانه اقلام صورت سود و زیان انجام می‌شود. این روش در مطالعات گودفری و جونز^{۱۲} (۱۹۹۹)، دای^{۱۳} (۲۰۰۲)، لین و همکاران^{۱۴} (۲۰۱۱)؛ مک‌وی^{۱۵} (۲۰۰۶)، فان و همکاران^{۱۶} (۲۰۱۰) مورد توجه قرار گرفته است. در این روش بدون آن که سود خالص شرکت تغییر کند تنها با استفاده از جابه‌جایی هزینه‌های عملیاتی به اقلام غیر عملیاتی و خاص، سود عملیاتی (سود اصلی) شرکت مورد دستکاری قرار می‌گیرد (در واقع صرفاً طبقه‌بندی حساب‌های هزینه‌ای و درآمدی در سود و زیان تغییر می‌کند). این تکنیک با احتمال پایین کشف یا مقاومت از سوی حساب‌برسان (محدودیت ذاتی)، قابل انجام بوده و می‌تواند مدیریت را به اهداف گزارشگری خود نائل سازد زیرا در این روش تغییری در کل سود خالص دوره مالی جاری شرکت و همچنین سودهای سنوات بعد رخ نمی‌دهد (حمیدیان و همکاران، ۱۳۹۷). شاید بتوان گفت که این

1- Healy, &Wahlen,.

2- McNichols, et al

3- Jones

4- Roychowdhury

5- Zang et al.

6 - Ahmed, et al

7- Cohen, and Zarowin

8- Chen, & Howard,

9- Bansal, & Bashir

10- Kim ,& Sohn

11 - Kałdoński et al

12- Godfrey, et al

13- Dye

14- Lin, et al

15- Mcvay

16- Fun , et al

روش یکی از ظریف‌ترین ترفندهای مدیریت سود می باشد که تاکنون در پژوهش‌های اندکی به آن پرداخته شده است. این تغییر طبقه‌بندی موجب کاهش هزینه عملیاتی و افزایش سود عملیاتی می‌شود. انگیزه اصلی مدیران جهت تغییر در طبقه‌بندی می‌تواند دستیابی به سود عملیاتی هدف، سود عملیاتی دوره قبل و یا پیش‌بینی‌های تحلیل گران باشد (هاو و همکاران^۱، ۲۰۱۱).

قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود:

قابلیت مقایسه یا مقایسه پذیری یکی از ویژگی‌های ارتقادهنده کیفیت گزارشگری مالی به شمار می‌رود که استفاده کنندگان را به شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌ها بین مجموعه‌ای از پدیده‌های اقتصادی قادر می‌کند (علیزاده، ۱۴۰۰). در مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران بیان شده که قابلیت مقایسه، یکی از ویژگی‌های کیفی مرتبط با ارائه اطلاعات است که بر مفید بودن اطلاعات حسابداری می‌افزاید اما در خصوص معیارهای آن توضیحی داده نشده است. از طرفی دیگر، بر اساس مفاهیم نظری گزارشگری مالی، اطلاعات حسابداری در صورتی مفید هستند که مربوط باشند، اما اگر اطلاعات ارائه شده، ویژگی قابل مقایسه بودن را نداشته باشند، علی‌رغم داشتن ویژگی مربوط بودن، دارای فایده محدودی هستند. بنابراین، اطلاعات مربوط زمانی از مزیت مفید بودن یا سودمندی در تصمیم‌برخوردار است که به صورت قابلیت مقایسه ارائه شده باشد (جعفری و همکاران، ۱۴۰۰). دی فرانکو و همکاران^۲ (۲۰۱۱) مقایسه‌پذیری حسابداری را به عنوان نزدیکی سیستم حسابداری بین دو شرکت تعریف می‌کنند. اگر شرکت‌ها در مواجهه با رویدادهای اقتصادی مشابه، اعداد حسابداری مشابهی تولید کنند، مقایسه‌پذیری حسابداری افزایش می‌یابد (مهدی پور، ۱۴۰۴). قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، به استفاده کنندگان از صورت‌های مالی کمک می‌کند تا از عملکرد اقتصادی یک شرکت در مقایسه با شرکت‌های همسان خود درک و ارزیابی بهتری داشته باشند (هاشمی دهچی و همکاران، ۱۴۰۰). مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی نه تنها به حسابداری یک شرکت بستگی دارد بلکه بر اساس نوع حسابداری شرکت مشابه است (وانگ و همکاران^۳، ۲۰۲۱). در مقایسه با ویژگی‌های کیفی دیگر، مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی می‌تواند نقش تصمیم‌گیری موثرتری را برای محافظت از منافع طلبکاران و سهامداران یاری کند.

در چارچوب مفهومی گزارشگری مالی، هیأت استانداردهای حسابداری مالی (۲۰۱۰) و هیأت استانداردهای حسابداری بین‌المللی (۲۰۱۰) بیان کرده‌اند، قابلیت مقایسه، ویژگی کیفی اطلاعات مالی است که استفاده کنندگان را در تشخیص و درک تشابهات و تفاوت‌های اقلام موجود قادر می‌سازد. با وجود این، واقعیت است که قابلیت مقایسه حسابداری یکی از مهم‌ترین ویژگی کیفی است، به‌رغم تأکید بر اهمیت ویژگی کیفی قابلیت مقایسه به‌وسیله نهادهای سیاست‌گذار، پژوهش‌ها و مطالعه‌های نسبتاً کمی در خصوص تاثیر این ویژگی کیفی بر روش‌های مدیریت سود از جمله روش تغییر طبقه‌بندی صورت پذیرفته است و شواهد مربوط به آن کم است گانگ و همکاران^۴ (۲۰۱۱). یک دلیل این است که مفهومی نسبی یا تطبیقی است، معیاری مطلق یا مستقل مانند سایر ویژگی‌های حسابداری نیست. پژوهش‌های قبلی انجام‌شده در رابطه با قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بیانگر این است که ویژگی کیفی مربوطه منجر به کاهش هزینه‌های استفاده کنندگان صورت‌های مالی برای تحصیل و تحلیل می‌شود و افزایش کیفیت اطلاعات مالی منتشرشده را در پی دارد

1- Haw, et al

2- De Franco et al

3 - Wang et al

4- Gong, et al.

(هریس و مولر^۱، ۱۹۹۹؛ انگلبرگ و همکاران^۲، ۲۰۱۶؛ اورنت و واگنهوفر^۳، ۲۰۰۵). به طور نمونه، کیم و همکاران^۴ (۲۰۱۶) با توجه به نتایج حاصل از پژوهش خود مطرح کردند امکان شناسایی و ارزیابی عملکرد شرکت ها برای سرمایه گذاران با قابل مقایسه بودن صورت های مالی تسهیل می شود؛ زیرا موقع ارزیابی و مقایسه عملکرد یک شرکت با عملکرد سایر شرکت ها به محاسبات و تحلیل های اندکی نیاز پیدا می کنند. یافته های حاصل از پژوهش دی فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) نشان می دهد قابلیت مقایسه به انتقال اطلاعات در میان شرکت های مشابه کمک می کند؛ طوری که سرمایه گذاران یافته های واضح و مشخص تری درباره شباهت ها و تفاوت های اقتصادی بنگاه ها به دست می آورند. بنابراین، با افزایش ویژگی قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری، توانایی سرمایه گذاران برای برآورد سودهای آتی از طریق ارزیابی عملکرد فعلی افزایش می یابد و میزان اتکای آنان به عملکرد جاری بیش از پیش می شود؛ در این حال، مدیران تمایل بیشتری به گزارش مطلوب عملکرد فعلی می یابند (ابراهیمی، ۱۴۰۳).

یکی از ابزارهای مدیران برای ارائه گزارش از وضعیت مطلوب شرکت، دستکاری و مدیریت سود است؛ از این رو انتظار می رود با افزایش قابلیت مقایسه، مدیریت سود نیز افزایش یابد (چویی و همکاران، ۲۰۲۴). علاوه بر این، هزینه های مورد انتظار تعهدات قانونی مرتبط با مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و واقعی به طور معناداری افزایش می یابد. به طور کلی، مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه بندی برای مدیران هزینه های کمتری را تحمیل می کند. با توجه به مباحث مطرح شده در خصوص تاثیر قابلیت مقایسه بر روش های مدیریت سود دو دیدگاه وجود دارد. در دیدگاه اول بیان می کند که با افزایش قابلیت مقایسه صورت های مالی، تمایل مدیران به فعالیت در زمینه مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه بندی افزایش می یابد چرا که این روش از مدیریت سود به دلیل ظرافت انجام آن و کم اهمیت بودن آن از نظر حسابرسان به دلیل عدم تغییر در مجموع سود حسابداری و پایین بودن ریسک حسابرسی آن، بیشتر توسط مدیران انجام می شود لیکن ممکن است باعث گمراهی استفاده کنندگان گردد. همچنین، بر خلاف مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و واقعی، با افزایش قابلیت مقایسه پذیری امکان کشف مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه بندی بیشتر خواهد شد؛ زیرا مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه بندی از طریق جابجایی اقلام درآمد و هزینه ها انجام می گیرد و در مجموع سود قابل گزارش تغییری ایجاد نمی کند و کشف آن نیز آسان تر است. در دیدگاه دوم نیز بیان می کند از انجایی که این نوع مدیریت سود باعث جابجایی اقلام درآمد و هزینه ها می شود و سود حسابداری در مجموع تغییری نمی کند لذا با استفاده از یک روش یکنواخت طی چندسال، با افزایش قابلیت مقایسه صورت های مالی امکان کشف آن به سادگی وجود دارد و لذا قابلیت مقایسه باعث کاهش استفاده مدیران از آن می شود (فرانسیس و همکاران^۵، ۲۰۰۸؛ لین و همکاران^۶، ۲۰۲۲) همچنین اطلاعات حسابداری مقایسه پذیر دقت پیش بینی استفاده کنندگان از صورت های مالی و تحلیلگران را افزایش می دهد، این بهبود کیفیت پیش بینی و دقت تحلیلگران باعث کاهش مدیریت سود می شود (شکری دوغ ابادی و مرادی، ۱۳۹۸). با این حال پژوهش های بسیار اندک و متناقضی در خصوص تاثیر این ویژگی صورت های مالی بر مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه بندی اقلام صورت سود و زیان در ایران و خارج از ایران صورت گرفته است. از جمله محدود پژوهش های صورت گرفته؛ چویی و همکاران

1- Harris & Muller

2- Engelberg, et al

3- Ewert & Wagenhofer

4- Kim, et al

5- Francis, et al.

6- Lin, et al

(۲۰۲۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که مقایسه پذیری صورت‌های مالی منجر به کاهش مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه‌بندی اقلام صورت سود و زیان می‌شوند. سوهن^۱ (۲۰۱۶) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی باعث کاهش مدیریت سود تعهدی می‌شود و با افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌ها میزان مدیریت سود واقعی آنها افزایش می‌یابد. شکری دوغ آبادی و مرادی (۱۳۹۸) نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که مقایسه‌پذیری صورت‌های مالی تاثیر معناداری بر مدیریت سود تعهدی و واقعی ندارند.

سوگیری رفتاری مدیران و مدیریت سود :

با مطرح شدن ادبیات مالی رفتاری، فرض منطقی بودن سرمایه گذاران و اعتقاد به کارا بودن بازارهای سهام مورد انتقاد قرار گرفته است. ادبیات مالی رفتاری اظهار می دارد که مدیران و سرمایه گذاران تحت تاثیر سوگیری های رفتاری بوده و در تصمیمات مالی آنها در زمان خرید و فروش سهام بر نحوه تصمیم گیری آنها تاثیر می گذارد (ابوالحسنی، ۱۴۰۱). در سایه تفکیک مالکیت از کنترل و مشکل نمایندگی ناشی از آن در دنیای کسب و کار مدرن، لزوم توجه به ویژگی های روانشناختی و ادراکی مدیران به عنوان تصمیم گیرندگان این عرصه ضرورت یافته است (حسین پور و همکاران، ۱۴۰۲). گرایش های سوگیرانه رفتاری مدیران به عنوان یکی از پیامدهای جدایی مالکیت از کنترل قلمداد می شود که نشان دهنده تفاوت انگیزه ها در مدیریت شرکت ها قلمداد می گردد. ادبیات پژوهش نشان می دهد سوگیری های رفتاری مدیران شامل بیش اطمینانی، کوتاه بینی و خود شیفتگی مدیران می باشد که ارتباط آنها با مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه بندی اقلام سود و زیان به شرح زیر تشریح شده است (بشیری منش و همکاران، ۱۴۰۱).

نظریه های تصمیم عقلایی بر این فرض استوارند که مدیران هنگام تصمیم گیری منطقی رفتار می کنند، اما ادبیات روان شناسی نشان می دهد که مدیران دچار بیش اطمینانی، اعتماد بیش از حد به خود و دید کوتاه مدت نسبت به چشم انداز آینده شرکت می باشند، این سوگیری ها در تصمیمات شرکت اخلاص ایجاد می کند (شان و همکاران^۲، ۲۰۲۳). بر اساس ادبیات پژوهش حسابداری، یکی از انواع سوگیری های رفتاری مدیران، بیش اطمینانی می باشد. بیش اطمینانی پدیده ای است که در مردم عادی نیز وجود دارد؛ اما این پدیده بیش تر به مدیران مرتبط می شود، به این صورت که مدیران نسبت به سودها و جریان های نقدی واحد تجاری خود خوشبین اند و چشم انداز مثبتی از ریسک و بازده آتی شرکت دارند. آنها احتمال و تاثیر رویدادهای مطلوب را بر جریان های نقدی شرکت بیش از واقع تخمین می زنند و احتمال و تاثیر رویدادهای منفی را کم تر از واقع ارزیابی می کنند (کیم و همکاران^۳، ۲۰۲۴). مدیران بیش اطمینان به طور ناخود آگاه گرایش به این دارند که بازخوردهای منفی را نادیده بگیرند؛ بنابراین با اعتقاد بر اینکه با ادامه پروژه های سرمایه گذاری در حال حداکثر سازی ارزش بلندمدت ثروت سهامداران هستند، بازخوردهای منفی پروژه ها را از سرمایه گذاران پنهان می کنند (مالمندینر و تات^۴، ۲۰۱۶). علاوه بر آن، به منظور جلوگیری از مداخله نامطلوب سهامداران ناشکیب، ممکن است عمدا اطلاعات گزارش شده را به طریقی مطلوب تغییر یا دستکاری کنند تا سرمایه گذاران را متقاعد نمایند که روند پروژه های جاری مطابق انتظارات می باشد و این مساله در نهایت به یکی از روش های مدیریت سود منجر می شود (بشیری منش و همکاران، ۱۴۰۱).

1- Sohn.

2 - Shan. et al

3 - Kim, et al

4 -Malmendier,&Tate

در علوم روان‌شناسی و اجتماعی؛ خودشیفتگی یا نارسسیم، بیان‌گر عشق افراطی به خود و تکیه بر خودانگاشت‌های درونی است (لین و همکاران، ۲۰۲۲). مدیران خودشیفته افرادی هستند که موفقیت شرکت را مدیون بلند همتی و تلاش‌های شخصی خود می‌دانند و مشارکت و نقش کارمندان را در کسب اهداف سازمان نادیده می‌گیرند. لذا در شرکتی که اینگونه مدیران بر آن حاکم هستند، نوعی دلسردی و سرخوردگی در میان کارکنان ایجاد می‌شود. (صالحی و همکاران، ۱۴۰۰) عدم رشد دیگر مدیران و کارکنان، امکان سوءاستفاده از دیگران و رفتارهای غیراخلاقی، بی‌توجهی به واقعیات بیرونی، تهدیدات محیطی سازمان، تخریب اعتماد و روابط انسانی از جمله پیامدهای منفی خودشیفتگی هستند. مدیران خودشیفته در پی آن هستند که ضعف‌های خود را بپوشانند و با انتقادات به شدت برخورد می‌کنند. این خصلت آنان باعث می‌شود تا ابتکار و نوآوری در سازمان از بین برود. از طرفی مدیران خودشیفته در سازمان‌ها پادشاه‌های بیش‌تری برای خود قائل هستند و به میزان قابل توجهی بیش از هم‌تایان خود درآمدزایی دارند (عبدالرضائی و همکاران، ۱۴۰۱). مدیران خودشیفته قادر به درک واقعیات و پدیده‌ها آن‌طور که باید نمی‌باشند و به همین دلیل نمی‌توانند برای آینده سازمان هدف و برنامه‌ی خاصی داشته باشند؛ پس نوعی سردرگمی در اهداف سازمان با وجود این مدیران پدید می‌آید. مجموعه‌ی این مشکلات به وجود آمده ناشی از مدیریت فرد خودشیفته بر شرکت، منجر به کاهش سود عملیاتی شرکت می‌شود و به منظور مطلوب نشان دادن وضعیت شرکت و از آنجایی که پایین بودن سود عملیاتی شرکت با خصوصیات روانی مدیران خودشیفته در تضاد است ممکن است مدیران خودشیفته اقدام به اعمال یکی از روش‌های مدیریت سود یا ترکیبی از آنها بکنند (چویی و همکاران، ۲۰۲۴).

یکی دیگر از ویژگی‌های رفتاری مدیران کوتاه بینی است. کوتاه‌بینی مدیران مجموعه‌ای از رفتارهای مدیریت تعریف شده است که به دلایل مختلف نظیر ساختارهای تشویقی و استفاده از معیارهای ارزیابی عملکرد که مبتنی بر معیارهای کوتاه مدت می‌باشد، به جای توجه به سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و خلق ارزش در بلند مدت، باعث افزایش منافع کوتاه‌مدت شرکت می‌شوند. مدیران کوتاه بین از طریق کاهش میزان هزینه‌های تحقیق و توسعه، آموزش کارکنان، تبلیغات و از این قبیل سعی در افزایش میزان سودآوری کوتاه مدت دارند. در حالیکه این اقدام مدیریتی تأثیر نامطلوبی بر عملکرد آتی و سود عملیاتی بلندمدت ایجاد می‌کند (تهرانی و دلشاد، ۱۳۹۷). لین و همکاران (۲۰۲۲) معتقدند مدیریت کوتاه‌بین به دلیل عدم اطمینان درباره ریسک و بازدهی پروژه‌های بلندمدت سعی می‌کنند، هزینه‌های تحقیق و توسعه خود را کاهش داده و تمرکز خود را بر موارد کوتاه مدت که از ریسک کم‌تری برخوردار است، قرار دهند؛ این راهبرد مدیریتی در کوتاه‌مدت منجر به افزایش سود عملیاتی شرکت و در کوتاه‌مدت منجر به کاهش سود عملیاتی، بازده حقوق صاحبان سهام، بازده دارایی‌ها و رشد اقتصادی شرکت می‌گردد (حسین پور و همکاران، ۱۴۰۲). در ویژگی کوتاه‌بینی مدیریت مدیران اغلب پروژه‌هایی را انتخاب می‌کنند که درآمد و قیمت سهم در کوتاه‌مدت را به حداکثر خواهد رساند. این مدیران سودآوری بلندمدت را از طریق کاهش سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت قربانی انگیزه‌های مرتبط با سود کوتاه‌مدت می‌کنند. مدیران با دستکاری تغییر جریان درآمدها و هدایت عایدات سعی بر آن دارند تا سودهای آینده را به دوره جاری انتقال دهند (هارویتز^۱، ۲۰۱۸).

با بررسی مبانی نظری مشخص شد تا کنون پژوهشی که به بررسی رابطه بین سوگیری‌های رفتاری مدیران و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه‌بندی بپردازد بپردازد؛ صورت نگرفته است و در محدود پژوهش‌های صورت گرفته نیز صرفاً مدیریت سود تعهدی و واقعی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که نتایج متضادی نیز بدست آمده است

مضافاً روابط بین تئوری‌های مالی-رفتاری مدیران و مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه‌بندی نیز نادیده انگاشته شده است. بررسی این پژوهش به دو دلیل به گسترش ادبیات پژوهش کمک می‌کند. ابتدا، مطالعه حاضر بینش جدیدی در مورد ادبیات در حال رشد در زمینه مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه‌بندی و عوامل اثرگذار بر آن از جمله تئوری‌های رفتاری مدیران و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی فراهم می‌کند و یافته‌های این مطالعه، تاثیر تئوری مالی رفتاری را به صورت مستقیم بر مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه‌بندی مورد بررسی قرار می‌دهد که تاکنون به صورت جامع بدین شکل پژوهشی صورت نگرفته است. همچنین با توجه به اندک پژوهش‌های تجربی در خصوص مدیریت سود از طریق تغییر طبقه‌بندی سود در ایران و اهمیت این روش مدیریت سود و تفاوت‌های اساسی آن با روش‌های مبتنی بر مدیریت اقلام تعهدی و رویدادهای واقعی، می‌توان گفت بررسی موضوع پژوهش حاضر از بعد نظری و تجربی دارای اهمیت بالایی است. بنابراین با توجه به اهمیت سود حسابداری برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان و نبود پژوهش کافی در این خصوص، مسئله اساسی پژوهش حاضر پاسخ به این پرسش‌ها است که آیا قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر تغییر طبقه‌بندی اقلام صورت سود و (زیان) معناداری دارد؟ آیا سوگیری‌های رفتاری مدیران (خودشیفتگی، بیش اعتمادی و کوتاه‌بینی) بر تغییر طبقه‌بندی اقلام صورت سود و (زیان) تأثیر معناداری دارد تاثیر معناداری دارد ؟

۳- پیشینه پژوهش

چویی و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی به بررسی نقش سویه‌های رفتاری مدیران و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه‌بندی پرداختند. در این پژوهش که با استفاده از اطلاعات ۱۵۰ شرکت در بازار بورس اوراق بهادار چین طی بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۲ صورت گرفت نتایج نشان داد مدیران دارای رفتار اعتماد بیش از حد و خودشیفته بیشتر از سایر مدیران اقدام به مدیریت سود فرصت طلبانه ناشی از تغییر طبقه‌بندی اقلام صورت سود و زیان می‌کنند. همچنین نتایج نشان داد مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد، زمانی که فرصت‌های بیشتری برای سوءرفتار وجود دارد، یعنی زمانی که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی کم است و زمانی که مدیرعامل می‌تواند از اقلام ویژه فرصت طلبانه برای طبقه‌بندی نادرست هزینه‌ها استفاده کند، بیشتر درگیر تغییر طبقه‌بندی می‌شوند. نگوین^۱ (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی تاثیر قابلیت مقایسه صورت مالی بر مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه‌بندی با تاکید بر نقش محدودیت مالی پرداختند. در این پژوهش از نمونه ای از ۵۰۲ شرکت ویتنامی غیرمالی پذیرفته شده از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۹ استفاده شده است. این نتایج نشان می‌دهد که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، تمایل شرکت‌ها به مشارکت در مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه‌بندی را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد شرکت‌ها می‌توانند وزن بیشتری به مقایسه با تعداد کمی از شرکت‌ها نسبت به شرکت‌های مختلف در همان صنعت بدهند. دوم، نتایج نشان داد که محدودیت‌های مالی اثر تعدیل‌کننده دارند به نحوی که شرکت‌های دارای محدودیت مالی با بهبود قابلیت مقایسه حسابداری، دستکاری سود را کاهش نمی‌دهند. مالیکوو و همکاران^۲ (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی مدیریت سود با استفاده از ابزار تغییر در طبقه‌بندی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار انگلستان در بازه زمانی ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۴ پرداختند. آنها بدین منظور، تغییر طبقه‌بندی درآمدهای غیرعملیاتی به درآمدهای عملیاتی را مدنظر قرار دادند. یافته‌های آنها نشان داد که شرکت‌ها به منظور باد کردن (متورم کردن) درآمدهای عملیاتی، انگیزه تغییر در طبقه‌بندی

1- Nguyen.

2- Malikov, et al.

درآمدهای غیرعملیاتی به درآمدهای عملیاتی را دارا هستند. همچنین سایر یافته‌های آنها بیانگر آن است که این تغییر طبقه‌بندی بیشتر به منظور اجتناب از گزارشگری کاهش درآمد عملیاتی یا کاهش رشد است. سوهن (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی نقش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر روش‌های مدیریت سود پرداختند. این پژوهش که با استفاده از اطلاعات ۱۸۴ شرکت پذیرفته شده در بورس فرانسه طی بازه زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۴ انجام شد و نتایج نشان داد قابلیت مقایسه صورت‌های مالی باعث کاهش مدیریت سود تعهدی می‌شود و با افزایش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌ها میزان مدیریت سود واقعی آنها افزایش می‌یابد؛ همچنین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی باعث افزایش کیفیت اطلاعات می‌شود. گونگ و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی نقش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه‌بندی پرداختند. این پژوهش که با استفاده از اطلاعات ۱۳۲ شرکت پذیرفته شده در بورس ویتنام و طی بازه زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ انجام شد نشان داد بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود تعهدی شرکت رابطه منفی وجود دارد.

ابراهیمی (۱۴۰۳) در پژوهشی به بررسی تأثیر نقش سرمایه‌گذاران نهادی و خصوصیات کمیته حسابرسی بر تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. آزمون فرضیه‌ها با استفاده از رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته با رویکرد داده‌های تابلویی برای دوره‌ی زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۱ با استفاده از اطلاعات ۱۴۴ شرکت به روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که مدیران از طریق تغییر طبقه بندی اقلام صورت‌های مالی اقدام به مدیریت سود می‌کنند همچنین نتایج بیانگر این موضوع بود که مالکیت نهادی و ویژگی‌های کمیته حسابرسی شامل اندازه و استقلال کمیته حسابرسی و تخصص مالی کمیته حسابرسی باعث کاهش مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان می‌شوند. ایمنی و مشعشی (۱۴۰۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر محدودیت‌های حاکم بر استراتژی‌های مدیریت سود بر به‌کارگیری استراتژی تغییر طبقه‌بندی سود در بازار سرمایه ایران پرداختند. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۲ الی ۱۴۰۰ است و ۱۱۴ شرکت به عنوان نمونه آماری انتخاب شده است. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل رگرسیون لجوجیت استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که سلامت مالی، سهامداران نهادی، اندازه موسسه حسابرسی و سهم بازار بر تغییر در طبقه‌بندی سود تأثیر منفی و معناداری دارد. همچنین چرخه عملیاتی بر تغییر در طبقه‌بندی سود تأثیر مثبت و معناداری دارد؛ و دوره تصدی آن تأثیر معناداری بر تغییر طبقه‌بندی سود ندارد. آزمون‌های اضافی نشان داد شرکت‌های بزرگ‌تر انگیزه بیشتری برای انجام تغییر طبقه‌بندی (شکلی از مدیریت سود) در مقایسه با شرکت‌های کوچک دارند، زیرا هزینه‌های سیاسی بیشتری دارند. خزایی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی نقش تعدیل‌گر ساختار مالکیت بر رابطه قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود پرداختند. برای دستیابی به این هدف، ۱۲۰ شرکت از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. نتایج نشان داد که قابلیت مقایسه صورت‌های مالی با مدیریت سود اقلام تعهدی رابطه منفی و معناداری دارد. همچنین نتایج پژوهش حاکی از آن بود که افزایش سطح مالکیت نهادی موجب تضعیف رابطه معکوس قابلیت مقایسه و مدیریت سود می‌شود. این نتیجه را می‌توان به این صورت تفسیر کرد که هر چه سطح مالکیت نهادی بیشتر باشد، تأثیر منفی مدیریت سود بر قابلیت مقایسه کمتر است. شالی‌گر (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیریتی بر محافظه کاری مشروط و مدیریت سود واقعی پرداخت. جامعه آماری شامل تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار

تهران در دوره زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ می باشند که حجم نمونه نهایی به روش غربالگری پس از اعمال محدودیت ها، ۱۱۵ شرکت تعیین گردید. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین اعتمادبه نفس مدیرعامل و محافظه کاری مشروط رابطه معکوس و معناداری وجود دارد و بین اعتمادبه نفس مدیرعامل و مدیریت سود واقعی شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. شکری دوغ آبادی و مرادی (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و مدیریت سود پرداختند. در این پژوهش، قابلیت مقایسه صورتهای مالی با استفاده از مدل دی فرانکو (۲۰۱۱) در سطح هر صنعت به صورت جداگانه اندازه گیری شد. جامعه آماری پژوهش شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران هستند که ۱۴۶ شرکت اطلاعات لازم را برای تجزیه و تحلیل دارا بودند. دوره زمانی پژوهش سال های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ می باشد. نتایج پژوهش نشان داد که بین قابلیت مقایسه حسابداری و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و واقعی رابطه معناداری وجود ندارد. ضیغمی (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی تاثیر بیش اطمینانی مدیران بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود پرداخت. جهت آزمون فرضیه های تحقیق نمونه ای متشکل از ۱۲۸ شرکت از بین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ انتخاب گردید. نتایج نشان داد که بیش اطمینانی مدیران بر مدیریت سود تاثیر مثبت و معناداری دارد به عبارت دیگر، در صورت وجود بیش اطمینانی مدیران، مدیریت سود افزایش می یابد. همچنین عدم تقارن اطلاعاتی بر مدیریت سود تاثیر مثبت و معناداری دارد و بیش اطمینانی مدیران بر رابطه مثبت بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود تاثیر مثبت و معناداری دارد. حاجیها و چناری بوکت (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی تاثیر قابلیت مقایسه صورتهای مالی بر مدیریت سود واقعی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. اطلاعات لازم برای این پژوهش از صورتهای مالی ۸۰ شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۹۰ گردآوری شد. در راستای هدف پژوهش برای محاسبه متغیر قابلیت مقایسه از مدل دی فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) و برای محاسبه مدیریت سود واقعی از مدل توسعه یافته دجو و همکاران (۱۹۹۸) استفاده شد. یافته های حاصل از پژوهش نشان داد که قابلیت مقایسه صورتهای مالی بر معیارهای مدیریت سود واقعی (جریان غیرعادی وجوه نقد عملیاتی، هزینه های غیرعادی تولید، هزینه های غیرعادی اختیاری) تاثیر مستقیم و معنادار دارد. به عبارتی، با افزایش قابلیت مقایسه، تمایل مدیران به مدیریت سود واقعی در راستای ارائه مطلوب عملکرد جاری خود با دستکاری فعالیت های واقعی مانند تولید بیش از اندازه و افزایش غیرعادی حجم فروش افزایش می یابد. ابراهیمی و سربازی آزاد (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی تاثیر بیش اطمینانی مدیریت در مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی در ۹۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ پرداختند. در این پژوهش برای اندازه گیری بیش اطمینانی مدیریت از دو معیار مبتنی بر سرمایه گذاری و اهرم مالی استفاده شده است. تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از آزمون فرضیه پژوهش، نشان دهنده وجود ارتباط مثبت و معنادار بین بیش اطمینانی مدیریت براساس هر دو شاخص بیش اطمینانی مدیریت مبتنی بر سرمایه گذاری و اهرم مالی بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی است.

۴- فرضیه های پژوهش

بر اساس مبانی نظری و ادبیات پژوهش، فرضیه های زیر تنظیم شده و آزمون می شوند :

فرضیه اول : بیش اطمینانی مدیران بر مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه بندی اقلام صورت سود و (زیان) تاثیر معناداری دارد.

فرضیه دوم : کوتاه بینی مدیران بر مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه بندی اقلام صورت سود و (زیان) تاثیر معناداری دارد.

فرضیه سوم: خودشیفتگی مدیران بر مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه بندی اقلام صورت سود و (زیان) تأثیر معناداری دارد.

فرضیه چهارم: قابلیت مقایسه صورت های مالی بر مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه بندی اقلام صورت سود و (زیان) تأثیر معناداری دارد.

۵- روش پژوهش

این پژوهش از نظر نوع هدف؛ کاربردی و از نظر شیوهی انجام و ماهیت، از نوع پژوهش های توصیفی و از نظر فلسفه جزء پژوهش های اثباتی حسابداری است. از نظر فرآیند اجرا از نوع پژوهش های کمی و از نظر منطق اجرا نیز جزء پژوهش های با رویکرد قیاسی- استقرایی بوده و از نظر بعد زمانی نیز از نوع پژوهش های گذشته نگر بوده و از اطلاعات تاریخی شرکت های نمونه استفاده می شود. برای برآورد مدل رگرسیون و آزمون فرضیه های پژوهش از روش اقتصادسنجی داده های ترکیبی استفاده می شود. اطلاعات مورد نیاز شرکت ها نیز از بانک اطلاعاتی رهاورد نوین و وبگاه الکترونیکی سازمان بورس اوراق بهادار استخراج شده و فرضیه های پژوهش نیز بر اساس داده های ترکیبی و به کمک نرم افزار Eviews ۱۱ آزمون می شوند. جامعه ی آماری پژوهش حاضر نیز، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۶ تا پایان سال ۱۴۰۲ به مدت ۷ سال بوده است که در طی این دوره عضویت خود را در بورس اوراق بهادار حفظ کرده اند. افزون بر این، جامعه ی آماری با استفاده از شرایط زیر تعدیل شده است:

۱) شرکت باید قبل از سال ۱۳۹۶ در بورس پذیرفته شده و از ابتدای سال ۱۳۹۶ سهام آن در بورس معامله شده باشد؛ ۲) پایان سال مالی شرکت پایان اسفند ماه بوده و در طول دوره ی تحقیق نیز، تغییر سال مالی نداشته باشد؛ ۳) اطلاعات مالی شرکت در دسترس بوده باشد؛ ۴) از مجموعه شرکت های سرمایه گذاری، هلدینگ و واسطه ای مانند بانک و بیمه نباشد. پس از اعمال این محدودیت ها، ۱۴۴ شرکت، همگی شرایط حضور در جامعه ی آماری را داشته اند. لذا ۱۴۴ شرکت (۱۰۰۸ سال- شرکت) به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند.

۶- اندازه گیری متغیرهای پژوهش

۶-۱- متغیر وابسته: تغییر طبقه بندی اقلام سود و زیان (CE)

در این تحقیق برای تشخیص مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی از مدل مکوی (۲۰۰۶) بهره گرفته شد. که بصورت زیر محاسبه شد (احمد و همکاران، ۲۰۲۴):

رابطه (۱)

$$CE_{it} = \alpha + \beta_1 CE_{it-1} + \beta_2 ATO_{it} + \beta_3 WCA_{it-1} + \beta_4 WCA_{it} + \beta_5 \Delta SALE_{it} + \beta_6 NEG - \Delta SALE_{it} + \varepsilon_{it}$$

باقی مانده مدل فوق به عنوان مبلغ تغییر طبقه بندی اقلام سود و زیان در مدل اصلی رگرسیون قرار می گیرد. به عبارتی ابتدا مدل فوق تخمین زده می شود و سپس مقادیر باقیمانده (ε_{it}) به عنوان مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی در مدل رگرسیون قرار می گیرد

CE_{it} : سود اصلی که عبارت است از خالص درآمد (فروش) منهای بهای تمام شده کالای فروش رفته و منهای هزینه های عمومی، فروش و اداری، CE_{it-1} : سود عملیاتی واقع شده در سال قبل، ATO : نرخ گردش دارایی های عملیاتی است که از فرمول فروش / میانگین تفاضل حاصل از دارایی عملیاتی و بدهی عملیاتی سال جاری و سال قبل بدست می

آید. WCA : سرمایه در گردش (برابر است با تغییر در دارایی‌های جاری و جریان وجه نقد منهای تغییر در بدهی‌های جاری و حصه جاری بدهی‌های بلندمدت) تقسیم بر کل دارایی‌های شرکت. $\Delta SALE_{it}$ درصد تغییر فروش سال جاری نسبت به سال قبل است و $NEG - \Delta SALE$ همان درصد تغییر در فروش است با این تفاوت که اگر این درصد تغییر بزرگتر از صفر باشد برابر صفر و در غیر اینصورت برابر با درصد تغییر در فروش است

متغیر مستقل:

مقایسه پذیری صورت‌های مالی ($COMPFCFS$)

متغیر مستقل پژوهش حاضر، مقایسه پذیری صورت‌های مالی است که به پیروی از پژوهش‌های حاجیها و چناری بوکت (۱۳۹۶)، رضایی و عبدالحی (۱۳۹۸)، افلاطونی و همکاران (۱۳۹۸)، جمشیدی نوید و منصوری (۱۴۰۰)، ویسی زاده و صالحی (۱۴۰۱)، ینی و یح (۲۰۲۲) چویی و همکاران (۲۰۲۴) برای اندازه‌گیری آن از الگوی دی‌فرانکو و همکاران (۲۰۱۱) استفاده شده است. بر اساس این الگو، سیستم حسابداری یک شرکت، تابعی در نظر گرفته می‌شود که رویدادهای اقتصادی (بازده سهام) را به گزارش‌های مالی (سود حسابداری) تبدیل می‌کند. به‌طوری‌که، هرچه تابع حسابداری دو شرکت شباهت بیشتری با هم داشته باشد، قابلیت مقایسه صورت‌های مالی آنها بیشتر خواهد بود. با استفاده از این معیار برای محاسبه مقایسه پذیری بین دو شرکت i و j ، ابتدا الگوی رگرسیونی زیر برای هر شرکت - سال و با استفاده از داده‌های سری زمانی دوره ۷ ساله اخیر (۲۸ فصل) برآورد می‌شود (رضایی و کیانی، ۱۴۰۰):

رابطه (۲)

$$Earning_{it} = \alpha + \beta_1 Return_{it} + \varepsilon$$

که در آن:

$Earning$: سود خالص فصلی تقسیم بر ارزش بازار ابتدای دوره سهام شرکت و $Return$: بازده سهام فصلی شرکت است.

ضرایب برآوردشده از رابطه (۱) معرف تابع حسابداری شرکت است که رویدادهای اقتصادی (بازده) را به گزارش حسابداری (سود) تبدیل می‌کند. شباهت بین تابع حسابداری دو شرکت، میزان قابلیت مقایسه بین دو شرکت را نشان می‌دهد. برای برآورد تفاوت بین تابع و عملیات حسابداری دو شرکت i و j ، در هر سال از طریق رابطه‌های زیر سود شرکت i به‌طور جداگانه یکبار با استفاده از تابع حسابداری خود شرکت i و یکبار با استفاده از تابع حسابداری شرکت j ؛ اما با بازده خود شرکت i (رویداد مشابه)، برای دوره زمانی مشابه با دوره زمانی رابطه (۳) پیش‌بینی می‌شود:

رابطه (۳)

$$E(Earning_{iit}) = \tilde{\alpha} + \beta_1 Return_{it} + \varepsilon$$

رابطه (۴)

$$E(Earning_{ijt}) = \tilde{\alpha} + \beta_1 Return_{it} + \varepsilon$$

در رابطه فوق:

$E(Earning_{iit})$: سود پیش‌بینی شده شرکت i در دوره t با استفاده از تابع حسابداری شرکت i

$E(Earning_{ijt})$: سود پیش‌بینی شده شرکت i در دوره t با استفاده از تابع حسابداری شرکت j

پس از محاسبه مقادیر فوق میانگین تفاوت در مقادیر سود پیش‌بینی شده بیانگر تفاوت در تابع حسابداری دو شرکت است بنابراین قرینه آن میزان شباهت و مقایسه پذیری بین دو شرکت را به شرح رابطه زیر نشان می‌دهد:

رابطه (۵)

$$FCS_{iit} = -\frac{1}{7} \sum [E(Earning_{iit}) - E(Earning_{ijt})]$$

میانگین قدر مطلق تفاوت در مقادیر سود خالص پیش بینی شده بیانگر تفاوت در عملیات حسابداری در شرکت *i* و صنعت *j* است. بنابراین، قرینه آن میزان شباهت بین عملیات حسابداری و قابلیت مقایسه بین شرکت *i* و صنعت *j* را نشان می دهد. در نهایت، میانگین چهار فصل شرکت *i* در دوره *t* به عنوان قابلیت مقایسه سود در نظر گرفته می شود (دوره زمانی پژوهش). مقادیر بیشتر آن بیانگر قابلیت مقایسه بیشتر بین شرکت *i* و صنعت *j* است.

بیش اطمینانی مدیران (Overcon)

در این پژوهش بیش اطمینانی مدیریت به کمک معیار مبتنی بر تصمیم های سرمایه گذاری مدیران اندازه گیری شده است. محققان نشان دادند تصمیم های سرمایه گذاری شرکت ها حاوی اطلاعات مرتبطی با بیش اطمینانی مدیریت است (کمپل و همکاران^۱، ۲۰۱۱). مخارج سرمایه ای، شاخص مبتنی بر سرمایه گذاری برای بیش اطمینانی است. اگر مخارج سرمایه ای در دوره معین (شرکت *i* در دوره مالی *t*) تقسیم بر کل دارایی های ابتدای دوره، بزرگتر از سطح میانه آن برای صنعت مربوط در آن سال باشد (نشان دهنده بیش اطمینانی مدیریت)، برابر با یک است و در غیر این صورت صفر لحاظ می شود. این معیار مبتنی بر یافته های بن و همکاران^۲ (۲۰۱۰) و مالمندیر و تیت (۲۰۱۶) است که نشان دادند مخارج سرمایه ای در شرکت هایی با مدیران بیش اطمینان، بزرگتر است.

خودشیفتگی مدیران (NARCISSM)

به منظور اندازه گیری خودشیفتگی مدیران مشابه پژوهش اولسن و همکاران^۳ (۲۰۱۴) و اولسن و استکلبرگ^۴ (۲۰۱۶) از شاخص پاداش نقدی استفاده می شود. به طور معمول در سازمان ها، مدیران اجرایی خودشیفته پاداش های بیشتری برای خود قائل شده و از این طریق موقعیت خود را در سازمان مستحکم می کنند. شاخص پاداش نقدی مدیرعامل از تقسیم پاداش نقدی مصوب در جلسه مجمع عمومی بر کل حقوق و دستمزد پرداختی سال مالی شرکت به دست خواهد آمد. در پژوهش های داخلی نیز همچون نمازی و همکاران (۱۳۹۶)، خواجهی و همکاران (۱۳۹۷)، مران جوری و علی خانی (۱۳۹۹) از این معیار برای اندازه گیری خودشیفتگی مدیران استفاده گردید. سپس با توجه به اینکه متغیر مذکور یک متغیر مجازی یا دو وجهی است لذا از طریق گرفتن میانه مقادیر بدست آمده، به مقادیر بالاتر از میانه عدد یک و به مقادیر پایین تر از میانه عدد صفر داده می شود. در واقع ابتدا میانه کل پاداش مدیران در نمونه آماری را محاسبه کرده و سپس شرکت هایی که پاداش مدیران آن از میانه پاداش کل نمونه بیشتر باشد به عنوان مدیران خودشیفته معرفی شده و به آن عدد یک تعلق می گیرد و در غیر این صورت عدد صفر را اختیار می کند.

کوتاه بینی مدیران (Myopia)

در این پژوهش برای اندازه گیری مقدار کوتاه بینی مدیران از مدل های پژوهش اندرسون و سیائو (۱۹۸۲) استفاده شده است. در پژوهش آنها شرکت هایی که به طور همزمان بازدهی بیش از حد مورد انتظار و هزینه بازار یابی و تحقیق و توسعه کمتر از حد طبیعی را گزارش می کنند، به احتمال زیاد مشمول ویژگی مدیریت کوتاه بینانه خواهند بود. برای

1- Campbell, et al.

2- Ben-David, et al.

3 - Olsen, et al

4 - Olsen, and . Stelkelberg..

شناسایی و تعیین شرکت‌های کوتاه‌بین ابتدا لازم است سطح مورد انتظار بازده دارایی‌ها، هزینه بازاریابی و هزینه تحقیق و توسعه را برای هر شرکت در هر دوره زمانی با مدل‌های زیر برآورد شود (اصغرنژاد، ۱۴۰۱)

رابطه (۶)

$$ROA_{it} = \alpha + \beta_1 ROA_{it-1} + \varepsilon$$

رابطه (۷)

$$Mktg_{it} = \alpha + \beta_1 Mktg_{it-1} + \varepsilon$$

رابطه (۸)

$$R\&D_{it} = \alpha + \beta_1 R\&D_{it-1} + \varepsilon$$

که در این مدل‌ها:

ROA: بازده دارایی، **R&D**: هزینه تحقیق و توسعه و **Mktg**: هزینه بازاریابی می‌باشد.

پس از محاسبه مقادیر برآوردی بازده دارایی‌ها، هزینه بازاریابی و هزینه تحقیق و توسعه با استفاده از مدل‌های فوق، مقادیر پیش‌بینی شده حاصل از مدل با مقادیر واقعی محاسبه می‌شوند. سپس با توجه به خطای‌های پیش‌بینی شده این سه مدل در چهار گروه به شرح مندرج در جدول ۱ قرار می‌گیرند:

جدول (۱): طبقه‌بندی شرکت‌ها برای اندازه‌گیری متغیر کوتاه‌بینی مدیریت

گروه ۱	گروه ۲	گروه ۳	گروه ۴
اختلاف بازده دارایی پیش‌بینی شده با واقعی مثبت باشد	اختلاف بازده دارایی پیش بینی شده با واقعی مثبت باشد	اختلاف بازده دارایی پیش بینی شده با واقعی مثبت باشد	اختلاف بازده دارایی پیش‌بینی شده با واقعی منفی باشد
اختلاف هزینه بازاریابی و تحقیق و توسعه پیش‌بینی شده با واقعی منفی باشد	فقط اختلاف یکی از هزینه بازاریابی یا تحقیق و توسعه منفی باشد	اختلاف هزینه بازاریابی و تحقیق و توسعه پیش‌بینی شده با واقعی مثبت باشد	-----

پس از طبقه‌بندی گروه‌های فوق، گروه یک به عنوان شرکت‌های دارای مدیریت کوتاه بینانه در نظر گرفته می‌شود. زیرا، شرکت‌های این گروه دارای عملکرد مالی مثبت و هزینه بازاریابی و تحقیق و توسعه آنها کاهش یافته است. بدین ترتیب، در این پژوهش اندازه‌گیری متغیر کوتاه بینانه به صورت مجازی (۰ و ۱) است. اگر شرکت در طبقه یک قرار گرفت عدد یک را اختیار می‌کند در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته می‌شود (چاوداری، ۲۰۱۲؛ جیانگ و ژانگ، ۲۰۱۶؛ کامیابی و همکاران، ۱۳۹۷)

متغیرهای کنترلی

کیفیت حسابداری (AQ): کیفیت حسابداری متغیر مجازی صفر و یک بوده که در صورتی که حسابرس، سازمان حسابداری باشد، یک، و در غیر این صورت مقدار صفر را اختیار می‌کند (حسن زاده کوچو و همکاران، ۱۴۰۱).

اندازه‌ی شرکت (SIZE): بیتی و همکاران^۱ (۲۰۰۲) به این نتیجه رسیدند شرکت‌های بزرگ‌تر در مقایسه با شرکت‌های کوچک‌تر، از مدیریت سود بیش‌تری استفاده می‌کنند (قادری و همکاران، ۱۳۹۷). این متغیر از طریق لگاریتم جمع کل دارایی‌های شرکت محاسبه می‌شود.

زیان شرکت (Loss): زیان دهی شرکت یک متغیر مجازی و به صورت دو وجهی (با کد های صفر و یک) که از صورت سود و زیان قابل استخراج است. اگر شرکت زیان ده باشد عدد یک و اگر شرکت سودده باشد عدد صفر اختصاص می‌یابد (مائو و همکاران^۲، ۲۰۲۲).

نسبت جریان نقد عملیاتی (CFO): این متغیر از طریق نسبت جریان نقد عملیاتی (مستخرج از صورت گردش وجه نقد) به جمع کل دارایی‌های شرکت بدست می‌آید (سجادی و همکاران، ۱۴۰۱).

اهرم مالی (LEVE): به پیروی از پژوهش کالدونسکی و همکاران (۲۰۱۹) در این پژوهش از نسبت بدهی‌ها به دارایی‌ها برای محاسبه اهرم مالی استفاده شده است.

نسبت ارزش بازار به دفتری (MTB): به پیروی از پژوهش احمد و همکاران (۲۰۲۴) برای کنترل اثر مجموعه فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت بر تغییر طبقه بندی اقلام سود و زیان شرکت از نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام استفاده شده است.

۷- مدل‌های پژوهش

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش به پیروی از پژوهش چویی و همکاران (۲۰۲۴) و یی و یی (۲۰۲۲) از مدل رگرسیونی چندمتغیره زیر استفاده شده است:

$$UE_{it} = \alpha + \beta_1 Compfcs_{it} + \beta_2 Overcon_{it} + \beta_3 NARCISSM_{it} + \beta_4 Myopia_{it} + \beta_5 AQ_{it} + \beta_6 Size_{it} + \beta_7 CF_{it} + \beta_8 LEVE_{it} + \beta_9 Loss_{it} + \beta_{10} MTB_{it} + \varepsilon_{it}$$

(UE): تغییر طبقه بندی اقلام سود و زیان که از معادل باقیمانده رابطه (۱) در جدول تعریف متغیرهای عملیاتی اندازه‌گیری شده است، مقایسه پذیری صورت‌های مالی (COMPFCS)، بیش اطمینانی مدیران (Overcon)، خودشیفتگی مدیران (NARCISSM)، کوتاه بینی مدیران (Myopia)، کیفیت حسابرسی (AQ)، اندازه‌ی شرکت (SIZE)، زیان شرکت (Loss)، نسبت جریان نقد عملیاتی (CF)، اهرم مالی (LEVE)، نسبت ارزش بازار به دفتری (MTB) و ε جز اخلال مدل می‌باشند.

۸- یافته‌های پژوهش

آماره های توصیفی متغیرهای پژوهش بعد از نرمال سازی و انجام آزمون جارک برا که حاکی از نرمال بودن متغیرهای پژوهش بود به شرح جدول ۱ می باشد:

جدول ۱- آماره های توصیفی پژوهش

متغیرها	میانگین	میان	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی
مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی	۰,۲۱	۰,۱۳	۰,۵۳	۰,۰۰۲	۰,۱۰	۰,۲۸
قابلیت مقایسه صورت‌های مالی	-۰,۳۴	-۰,۲۳	-۰,۵۳	-۱,۴۲	۰,۲۳	۰,۱۹
اندازه شرکت	۶,۵۸	۶,۴۸	۹,۲۶	۴,۲۵	۰,۶۷	۰,۳۳

1 - Beatty, et al

2 - Mao , et al

متغیرها	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	چولگی
جریان نقد عملیاتی	۰,۲۰	۰,۱۵	۰,۵۶	۰,۰۲	۰,۱۲	۰,۸۳
نسبت بازار به دفتری	۳,۱۵	۲,۷۲	۷,۷۶	۱,۲۷	۰,۳۲	۰,۲۰
اهرم مالی	۰,۶۰	۰,۶۴	۰,۶۶	۰,۱۹	۰,۱۶	۰,۱۸
مشاهدات	۱۰۰۸	۱۰۰۸	۱۰۰۸	۱۰۰۸	۱۰۰۸	۱۰۰۸

منبع: یافته های پژوهشگر

آمار توصیفی متغیرهای کیفی (کد ۱ و ۰)

متغیرهای کیفی	فراوانی کد ۱	فراوانی کد ۰	درصد فراوانی کد ۱	درصد فراوانی کد ۰
خودشیفتگی مدیران	۳۴۸	۶۶۰	۰,۳۴	۰,۶۶
بیش اطمینانی مدیران	۴۲۶	۵۸۲	۰,۴۲	۰,۵۸
کوتاه بینی مدیران	۴۹۳	۵۱۵	۰,۴۸	۰,۵۲
کیفیت حسابرسی	۲۰۱	۸۰۷	۰,۲۰	۰,۸۰
زیان شرکت	۱۵۹	۸۴۹	۰,۱۶	۰,۸۴

میانگین متغیر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی اقلام سود و زیان ۰,۲۱ بوده است که حاکی از وجود مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی اقلام سود و زیان در بین شرکت های نمونه می باشد. میانگین قابلیت مقایسه صورت های مالی در بین شرکت های نمونه برابر ۰,۳۴- بوده است هرچه این مقدار بیشتر باشد بیانگر قابلیت مقایسه بیشتر صورت های مالی شرکت ها است. همچنین منفی بودن متغیر مذکور حاکی از وجود قابلیت مقایسه بین شرکت های نمونه می باشد. میانگین نسبت ارزش بازار به دفتری حقوق صاحبان سهام ۳,۱۵ بوده که حاکی از بالا بودن ارزش روز قیمت سهام شرکت های نمونه نسبت به ارزش اسمی آنها است و با توجه به تورم و ایجاد فاصله بین قیمت اسمی و قیمت بازار در بازار بورس ایران این موضوع منطقی است. همچنین میانگین اهرم مالی ۰,۶۰ بوده که نشان می دهد به طور متوسط ۰,۶۰ دارایی های شرکت ها می تواند بدهی ها را تسویه و ۰,۴۰ باقی مانده به عنوان حقوق صاحبان سهام باقی خواهد ماند. میانگین نسبت جریان نقد عملیاتی شرکت ۰,۲۰ و بیشترین نسبت جریان نقد عملیاتی ۰,۵۶ و کمترین آن نیز ۰,۰۲ بوده است.

متغیرهایی که به دو مقدار صفر و یک محدود می شوند آمار توصیفی آنها به صورت میانگین و میانه و ... کارایی نداشته و مفهومی را بیان نمی کند. این متغیرها باید از نظر تعداد فراوانی و درصد فراوانی بررسی شوند. لذا فراوانی شرکت هایی که در آنها مدیران دچار خودشیفتگی هستند از مجموع ۱۰۰۸ مشاهده ؛ تعداد ۳۴۸ مشاهده می باشند که به آنها کد ۱ اختصاص داده شد و درصد فراوانی آنها نیز حدوداً ۰,۳۴ می باشد. به عبارت دیگر حدود ۰,۳۴ از مدیران شرکت های نمونه دارای خودشیفتگی یا خودشیفتگی هستند و ۰,۶۶ دیگر که دارای رفتار خودشیفته و خودشیفتگی نیستند که به آنها کد صفر اختصاص داده شد و فراوانی آنها نیز ۶۶۰ مشاهده می باشد. همچنین فراوانی شرکت هایی که در آنها مدیران دچار بیش اعتمادی هستند از مجموع ۱۰۰۸ مشاهده ؛ تعداد ۴۲۶ مشاهده می باشند که به آنها کد ۱ اختصاص داده شد و درصد فراوانی آنها نیز حدوداً ۰,۴۲ می باشد. به عبارت دیگر حدود ۰,۴۲ از مدیران شرکت های نمونه دارای رفتار بیش اعتمادی هستند و ۰,۵۸ دیگر فاقد رفتار بیش اعتمادی بوده که به آنها کد صفر اختصاص داده شد و فراوانی آنها نیز ۵۸۲ مشاهده می باشد. همچنین فراوانی شرکت هایی که در آنها مدیران دارای کوتاه بینی هستند از مجموع ۱۰۰۸ مشاهده ؛ تعداد ۴۹۳

مشاهده می‌باشند که به آنها کد ۱ اختصاص داده شد و درصد فراوانی آنها نیز حدوداً ۰,۴۸ می‌باشد. به عبارت دیگر حدود ۰,۴۸ از مدیران شرکت‌های نمونه دارای رفتار کوتاه‌بینی هستند و ۰,۵۲ دیگر فاقد رفتار کوتاه‌بینی بوده که به آنها کد صفر اختصاص داده شد و فراوانی آنها نیز ۵۱۵ مشاهده می‌باشد. علاوه بر این فراوانی شرکت‌هایی که توسط سازمان حسابرسی (موسسه حسابرسی بزرگ) حسابرسی شده‌اند از مجموع ۱۰۰۸ مشاهده ۲۰۱ مشاهده بوده که به آنها کد ۱ اختصاص داده شد و درصد فراوانی آنها نیز حدوداً ۰,۲۰ می‌باشد. سایر شرکت‌ها توسط سایر موسسات حسابرسی مورد اعتماد سازمان بورس اوراق بهادار مورد حسابرسی قرار گرفته‌اند که به آنها عدد صفر تعلق گرفته و فراوانی آنها نیز ۸۰۷ مشاهده و درصد فراوانی نیز ۰,۸۰ بوده است. فراوانی شرکت‌هایی که در طی سال دارای زیان بوده‌اند شامل ۱۵۹ مشاهده می‌باشد که به آنها کد ۱ اختصاص داده شد و درصد فراوانی آنها نیز حدوداً ۰,۱۶ می‌باشد به عبارتی به طور متوسط ۰,۱۶ از شرکت‌ها دارای زیان خالص (طی ۷ سال) بوده‌اند. در سایر شرکت‌ها نیز که سود خالص گزارش کرده‌اند دارای فراوانی ۸۴۹ مشاهده و درصد فراوانی آنها نیز ۰,۸۴ می‌باشد.

آزمون پایایی پژوهش

وجود متغیرهای ناپایا در مدل سبب می‌شود تا آزمون‌های تی استیودنت و فیشر از اعتبار لازم برخوردار نباشند و کمیت‌های بحرانی ارائه شده توسط توزیع‌های مذکور، مقادیر صحیحی برای انجام آزمون‌های آماری نباشند. با توجه به جدول ۲، نتایج آزمون پایایی متغیرها نشان می‌دهد که سطح خطای تمامی متغیرها کمتر از ۵٪ درصد بوده و متغیرهای پژوهش پایا می‌باشند؛ در نتیجه، استفاده از متغیرها در برآورد مدل‌های پژوهش، منجر به رگرسیون کاذب نمی‌شود.

جدول ۲- آزمون پایایی برای متغیرها

متغیرها		لوین، لین و چو		ایم پسران و شین		فیشر، فلیپس پرو	
آماره		p.v		آماره		p.v	
مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی		۰,۰۰۰		۸,۰۶-		۰,۰۰۰	
قابلیت مقایسه صورت‌های مالی		۰,۰۰۰		۲۴,۲-		۰,۰۰۰	
اندازه شرکت		۰,۰۰۰		۵,۹۹-		۰,۰۰۰	
جریان نقد عملیاتی		۰,۰۰۰		۳,۶۷-		۰,۰۰۰	
نسبت بازار به دفتری		۰,۰۰۰		۶,۸۳-		۰,۰۰۰	
اهرم مالی		۰,۰۰۰		۸,۴۱-		۰,۰۰۰	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

تخمین مدل به وسیله داده‌های ترکیبی

برای بررسی نوع آزمون مدل در مقاطع و دوره‌های زمانی مختلف داده‌های ترکیبی، از آزمون چاو استفاده شده است. نتایج آزمون چاو فرض صفر این آزمون مبنی بر مشابه بودن عرض از مبدا در تمام دوره‌ها را، برای مدل‌های پژوهش رد کرده است (سطح خطا کمتر از ۵٪). لذا، روش تخمین داده‌های تابلویی برای برآورد مدل‌های آزمون فرضیه‌های پژوهش، گزینه‌ی مناسب‌تری است. نتایج این آزمون در جدول ۳ بیان شده است:

جدول ۳- نتایج آزمون F لیمر (همسانی عرض از مبدأهای مقاطع)

آزمون چاو	آماره چاو	سطح خطا	نتیجه آزمون	نوع روش
H0: یکسانی عرض از مبدأهای مقاطع	۱,۸۵	۰,۰۰	H0 رد می شود	داده‌های تابلویی

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در روش داده‌های تابلویی نیز روش اثرات ثابت در مقابل روش اثرات تصادفی آزمون می‌شود. برای این کار از آزمون هاسمن استفاده شده است. با توجه به اینکه آماره‌ی محاسباتی آزمون هاسمن برای مدل پژوهش در سطح خطای ۵ درصد معنی‌دار نشده است (بیشتر از ۵٪)، بنابراین، فرض صفر آن مبنی بر عدم وجود رابطه بین اثرات فردی و متغیرهای توضیحی پذیرفته می‌شود؛ از این رو، برای برآورد مدل پژوهش از روش اثرات تصادفی استفاده خواهد شد. نتایج آزمون هاسمن در جدول (۴) ارائه شده است:

جدول ۴: نتایج آزمون هاسمن

آزمون هاسمن	خی ۲	سطح خطا	نتیجه آزمون	نوع روش
H0: عدم وجود ارتباط بین متغیر مستقل و خطای تخمین	۷,۲۸	۰,۶۹	H0 رد نمی شود	اثرات تصادفی

آزمون ناهمسانی واریانس

یکی از پیش فرض‌های رگرسیون عدم وجود ناهمسانی واریانس باقیمانده مدل می‌باشد با توجه به تأثیر مهم ناهمسانی واریانس بر برآورد، انحراف معیار و استنباط آماری، لازم است تا قبل از پرداختن به هرگونه تخمین وجود و یا عدم وجود ناهمسانی واریانس تحقق یابد. برای همسانی واریانس باقیمانده مدل از آزمون‌های بروش-پاگان گادفری، آزمون آرچ، آزمون گلجسر و آزمون وایت استفاده شد که نتایج آزمون‌ها نشان دهنده عدم همسانی واریانس بوده و به عبارتی باقی مانده‌های حاصل از تخمین مدل پژوهش، دارای واریانس ثابت نبوده است. لذا برای تخمین مدل‌های پژوهش از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده می‌شود.

تخمین مدل رگرسیونی اول:

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در مدل تحقیق معنی داری آماره فیشر (۱۲۴,۳۶) در سطح ۵٪ حاکی از معنی داری کلی مدل برآورد شده است بنابراین، مدل تحقیق در کل معنی دار بوده و متغیرهای مستقل و کنترلی توانایی توضیح متغیر وابسته را دارند. علاوه بر این ضریب تعیین تعدیل شده (R^2) ۰,۵۷۱ است. این عدد نشان می‌دهد که تقریباً ۵۷٪ از تغییرات متغیر وابسته را می‌توان به متغیرهای مستقل و کنترلی نسبت داد و ۴۳٪ دیگر ناشی از سایر عوامل بوده که از دسترس محقق خارج می‌باشد. هر چه مقدار این شاخص بزرگتر باشد پراکندگی نقاط حول خط رگرسیون بیشتر خواهد بود. مقدار آماره دوربین واتسون (۱,۹۴) حاکی از عدم وجود مشکل خودهمبستگی سریالی مرتبه اول در اجزای اخلاص مدل برآورد شده است، لذا نتایج مدل برآورد شده کاذب نیست و تخمین مدل قابل اتکاست (نرمال آن باید بین ۱,۵ تا ۲,۵ باشد). مقدار شاخص عامل تورم واریانس (VIF) نیز نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل مدل اول با هم مشکل همخطی شدید ندارند. زمانی که مقدار آماره VIF کمتر از ۵ باشد، شواهدی از وجود همخطی چندگانه بین متغیرهای مستقل مدل وجود ندارد.

جدول (۵): نتایج آزمون مدل پژوهش در سطح داده های تابلویی

$UE_{it} = \alpha + \beta_1 Compfcs_{it} + \beta_2 Overcon_{it} + \beta_3 NARCISSM_{it} + \beta_4 Myopia_{it} + \beta_5 AQ_{it} + \beta_6 Size_{it} + \beta_7 CFO_{it} + \beta_8 LEVE_{it} + \beta_9 Loss_{it} + \beta_{10} MTB_{it} + \varepsilon_{it}$					
شرح	نماد	ضرایب	آماره t	سطح خطا	VIF
عرض از مبدأ	α	۰,۲۱	۳,۵۵	۰,۰۰۰	---
بیش اطمینانی مدیران	<i>Overcon</i>	۰,۰۳	۳,۰۵	۰,۰۰۰	۱,۱۵
خودشیفتگی مدیران	<i>NARCISSM</i>	۰,۰۱	۲,۲۵	۰,۰۲	۱,۳۹
کوته بینی مدیران	<i>Myopia</i>	۰,۰۲	۲,۹۳	۰,۰۰	۱,۵۳
قابلیت مقایسه صورت های مالی	<i>Compfcs</i>	-۰,۰۶	-۲,۰۵	۰,۰۴	۱,۰۱
کیفیت حسابرسی	<i>AQ</i>	-۰,۰۲	-۱,۸۲	۰,۰۶	۱,۱۵
اندازه شرکت	<i>Size</i>	۰,۰۶	۲,۷۶	۰,۰۰	۱,۱۸
جریان نقد عملیاتی	<i>CFO</i>	۰,۰۱	۲,۲۸	۰,۰۲	۱,۱۲
اهرم مالی	<i>LEVE</i>	۰,۰۲	۲,۶۹	۰,۰۰	۱,۰۴
زیان شرکت	<i>Loss</i>	۰,۰۸	۲,۲۴	۰,۰۲	۱,۰۳
نسبت بازار به دفتری	<i>MTB</i>	-۰,۰۱	-۲,۷۳	۰,۰۰	۱,۰۳
ضریب تعیین تعدیل شده R^2		۰,۵۷۱			
F رگرسیون (سطح خطا)		۱۲۴,۳۶ (۰,۰۰۰)			
دوربین واتسون		۱,۹۴			

منبع: یافته های محقق

فرضیه اول: بیش اطمینانی مدیران بر مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه بندی اقلام صورت سود و زیان) تأثیر معناداری دارد.

با توجه به نتایج در مدل اول آماره ی تی - استیودنت مربوط به متغیر مستقل بیش اطمینانی مدیران و سطح معناداری آن (p.v) به ترتیب ۳,۰۵ و ۰,۰۰۰ بوده و ضریب آن نیز ۰,۰۳ می باشد. به عبارتی با ۰,۰۱ افزایش در بیش اطمینانی مدیران میزان مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان ۰,۰۳ افزایش می یابد. با توجه به این - که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر بیش اطمینانی مدیران تأثیر معناداری بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی اقلام هزینه عملیاتی شرکت داشته و فرضیه ی اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تایید قرار می گیرد. ضریب متغیر بیش اطمینانی مدیران شرکت ها مثبت می باشد. در نتیجه، رابطه مثبت و مستقیم و معنی داری بین بیش اطمینانی مدیران و مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی اقلام فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان وجود دارد.

فرضیه دوم: کوتاه‌بینی مدیران بر مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه‌بندی اقلام صورت سود و زیان) تاثیر معناداری دارد.

با توجه به نتایج در مدل اول آماره‌ی تی -استیودنت مربوط به متغیر مستقل کوتاه‌بینی مدیران و سطح معناداری آن (p.v) به ترتیب ۲,۹۳ و ۰,۰۰۰ بوده و ضریب آن نیز ۰,۰۲ می‌باشد. به عبارتی با ۰,۰۱ افزایش در کوتاه‌بینی مدیران میزان مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان ۰,۰۲ افزایش می‌یابد. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر کوتاه‌بینی مدیران تاثیر معناداری بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی اقلام هزینه عملیاتی شرکت داشته و فرضیه‌ی دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تایید قرار می‌گیرد. ضریب متغیر کوتاه‌بینی مدیران شرکت‌ها مثبت می‌باشد. در نتیجه، رابطه مثبت و مستقیم و معنی داری بین کوتاه‌بینی مدیران و مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی اقلام فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان وجود دارد.

فرضیه سوم: خودشیفتگی مدیران بر مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه‌بندی اقلام صورت سود و زیان) تاثیر معناداری دارد.

با توجه به نتایج در مدل اول آماره‌ی تی -استیودنت مربوط به متغیر مستقل خودشیفتگی مدیران و سطح معناداری آن (p.v) به ترتیب ۲,۲۵ و ۰,۰۲ بوده و ضریب آن نیز ۰,۰۱ می‌باشد. به عبارتی با ۰,۰۱ افزایش در خودشیفتگی مدیران میزان مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان ۰,۰۱ افزایش می‌یابد. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر خودشیفتگی مدیران تاثیر معناداری بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی اقلام هزینه عملیاتی شرکت داشته و فرضیه‌ی سوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تایید قرار می‌گیرد. ضریب متغیر خودشیفتگی مدیران شرکت‌ها مثبت می‌باشد. در نتیجه، رابطه مثبت و مستقیم و معنی داری بین خودشیفتگی مدیران و مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی اقلام فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان وجود دارد.

فرضیه چهارم: قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه‌بندی اقلام صورت سود و زیان) تاثیر معناداری دارد.

با توجه به نتایج در مدل اول آماره‌ی تی -استیودنت مربوط به متغیر مستقل قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و سطح معناداری آن (p.v) به ترتیب ۲,۰۵- و ۰,۰۴ بوده و ضریب آن نیز ۰,۰۶- می‌باشد. به عبارتی با ۰,۰۱ افزایش در قابلیت مقایسه صورت‌های مالی میزان مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان ۰,۰۶ کاهش می‌یابد. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی تاثیر معناداری بر مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی اقلام هزینه عملیاتی شرکت داشته و فرضیه‌ی چهارم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تایید قرار می‌گیرد. ضریب متغیر قابلیت مقایسه صورت‌های مالی شرکت‌ها منفی می‌باشد. در نتیجه، رابطه منفی و معکوس و معنی داری بین قابلیت مقایسه صورت‌های مالی و مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی اقلام فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان وجود دارد.

۹- نتیجه گیری

اهمیتی که سود حسابداری برای استفاده کنندگان از صورت های مالی دارد، باعث شده است که مدیریت واحد تجاری توجه خاصی به مبلغ و نحوه تهیه و ارائه آن قائل شود. بنابراین همواره این نگرانی و مشکل وجود دارد که سود به عنوان یکی از مهمترین شاخص های عملکرد مالی شرکت ها، توسط مدیران که در تضاد منافع بالقوه با سهامداران عادی - قراردارند، با اهداف خاصی مدیریت شده باشد. یکی از روش های جدید مدیریت سود، مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی می باشد. در این روش بدون آنکه سود خالص شرکت تغییر کند، تنها با استفاده از تغییر طبقه بندی هزینه های عملیاتی به هزینه های غیرعملیاتی (و یا درآمدهای عملیاتی به غیرعملیاتی)، سود اصلی و عملیاتی یا سود اصلی شرکت مورد دستکاری قرار می گیرد. با توجه به اهمیت مدیریت سود برای سهامداران و استفاده کنندگان بنابراین هدف پژوهش حاضر تأثیر سوگیری های رفتاری مدیران و مقایسه پذیری اطلاعات صورت های مالی بر تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲ با استفاده از اطلاعات ۱۴۴ شرکت می باشد.

نتایج حاصل از تخمین مدل رگرسیونی نشان داد که مدیران از طریق تغییر طبقه بندی اقلام صورت های مالی اقدام به مدیریت سود می کنند. همچنین نتایج نشان داد که سوگیری های رفتاری مدیران شامل خودشیفتگی، بیش اطمینانی و کوتاه بینی مدیران باعث افزایش مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان می شوند به عبارتی مدیران بیش اطمینان و خودشیفته به طور ناخودآگاه گرایش به این دارند که بازخوردهای منفی را نادیده بگیرند؛ بنابراین با اعتقاد بر اینکه با ادامه پروژه های سرمایه گذاری در حال حداکثرسازی ارزش بلندمدت ثروت سهامداران هستند، بازخوردهای منفی پروژه ها را از سرمایه گذاران پنهان می کنند و به منظور جلوگیری از مداخله نامطلوب سهامداران، ممکن است عمداً اطلاعات گزارش شده را به طریقی مطلوب تغییر یا دستکاری کنند تا سرمایه گذاران را متقاعد نمایند که روند پروژه های جاری مطابق انتظارات می باشد از طرفی مدیران خودشیفته در سازمان ها پاداش های بیش تری برای خود قائل هستند و به میزان قابل توجهی بیش از همتایان خود درآمذایی دارند لذا به منظور مطلوب نشان دادن وضعیت شرکت و از آنجایی که پایین بودن سود عملیاتی شرکت با خصوصیات روانی مدیران خودشیفته در تضاد است، مدیران خودشیفته و یا دارای رفتار بیش اطمینان اقدام به اعمال روش های مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه بندی می کنند. همچنین ویژگی کوتاه بینی باعث می شود تا مدیران اغلب پروژه هایی را انتخاب می کنند که درآمد و قیمت سهم در کوتاه مدت را به حداکثر خواهد رساند؛ این مدیران سودآوری بلندمدت را از طریق کاهش سرمایه گذاری های بلندمدت قربانی انگیزه های مرتبط با سود کوتاه مدت می کنند. مدیران با دستکاری تغییر جریان درآمدها و هدایت عایدات سعی بر آن دارند تا سودهای آینده را به دوره جاری انتقال دهند و بدین ترتیب با استفاده از تغییر اقلام صورت سود و زیان به این مهم دست می یابند. همچنین نتایج بیانگر این موضوع بود که مقایسه پذیری اطلاعات صورت های مالی منجر به کاهش مدیریت سود از طریق تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان شده و یک رابطه منفی و معنادار بین آنها مشاهده شد. به عبارتی قابلیت مقایسه به انتقال اطلاعات در میان شرکت های مشابه کمک می کند؛ طوری که سرمایه گذاران یافته های واضح و مشخص تری درباره شباهت ها و تفاوت های اقتصادی بنگاه ها به دست می آورند. مضافاً بر خلاف مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و واقعی، با افزایش قابلیت مقایسه پذیری امکان کشف مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه بندی بیشتر خواهد شد؛ زیرا مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه بندی از طریق جابجایی اقلام درآمد و هزینه ها انجام

می گیرد و در مجموع سود قابل گزارش تغییری ایجاد نمی کند و کشف آن نیز آسان تر است لذا با استفاده از یک روش یکنواخت طی چندسال، با افزایش قابلیت مقایسه صورت های مالی امکان کشف آن به سادگی وجود دارد و لذا قابلیت مقایسه باعث کاهش استفاده مدیران از آن می شود. نتایج این پژوهش با یافته های چویی و همکاران (۲۰۲۴)، شالی گر (۱۴۰۰)، ضیغمی (۱۳۹۸)، ابراهیمی و سربازی آزاد (۱۳۹۶)، بشیری منش و همکاران (۱۴۰۱) مطابقت دارد.

نتایج پژوهش نشان داد سویه های رفتاری مدیران نقش قابل توجهی در هدایت سیاست های مالی و عملیاتی شرکت ها دارد و این تأثیر دارای پیامدهای منفی یا مثبت بر شرکت است. نتایج به دست آمده بیانگر تمایل مدیران بیش اطمینان و خودشیفته به مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه بندی اقلام صورت سود و زیان در شرکت است و این موضوع باعث افزایش هزینه فرصت ناشی از مدیریت سود و احتمال سوء استفاده و رفتارهای فرصت طلبانه مدیران و افزایش هزینه های نمایندگی می شود. لذا به سرمایه گذاران و سهامداران پیشنهاد می شود تا به موضوع خودشیفتگی مدیران و رفتاری که از آنها در خصوص نحوه انتخاب پروژه ها سر می زند اهمیت بیشتری دهند و سعی کنند در شرکت هایی که دارای مدیران خودشیفته هستند کمتر سرمایه گذاری نمایند یا این شرکت ها را از پرتفوی خود حذف نمایند. همچنین به سرمایه گذاران نیز پیشنهاد می شود تا هنگام سرمایه گذاری به مسائل رفتاری و شخصیتی مدیران دقت کافی داشته باشند. همچنین با توجه به نتایج پژوهش مبنی بر تأثیر منفی قابلیت مقایسه صورت های مالی بر مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه بندی اقلام صورت سود و زیان به سرمایه گذاران پیشنهاد می شود در تصمیمات سرمایه گذاری خود به نقش قابلیت مقایسه صورت های مالی بر روش های مدیریت سود از جمله مدیریت سود ناشی از تغییر طبقه بندی اقلام صورت سود و زیان توجه کنند. همچنین به تدوین کنندگان قوانین مانند سازمان بورس اوراق بهادار و سازمان حسابرسی و نهادهای مرتبط پیشنهاد می شود در سیاست گذاری ها و نظارت های خود به ارتقاء سطح قابلیت مقایسه در صورت های مالی، اهتمام جدی داشته باشند. به سازمان بورس و اوراق بهادار در راستای حفاظت از حقوق سرمایه گذاران نیز توصیه می شود امتیاز قابلیت مقایسه را در دوره های زمانی منظم محاسبه و افشاء کند.

منابع و مآخذ

- ۱- ابراهیمی، سحر، (۱۴۰۳)، بررسی تأثیر نقش مالکیت نهادی و ویژگی های کمیته حسابرسی بر تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجد سلیمان.
- ۲- ابراهیمی، سید کاظم، سربازی آزاد، صادق. (۱۳۹۶). تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریت بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی. مدیریت دارایی و تامین مالی، دوره ۵۵، ش ۳، صص ۱۱۶-۱۰۵.
- ۳- ابوالحسنی، علیرضا، (۱۴۰۱)، بررسی تأثیر خودشیفتگی و غرور مدیرعامل بر رابطه سطح پایداری و عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی سهروردی، گروه حسابداری
- ۴- اصغرنژاد، عیسی. (۱۴۰۱)، بررسی و آزمون رابطه بین بیش اعتمادی مدیران و احتمال ریزش قیمت سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نامه کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی شاندیز، گروه حسابداری

- ۵- افلاطونی، عباس؛ زلّقی، حسن و خزایی، مهدی. (۱۳۹۸)، تأثیر توانایی مدیریت بر میزان مقایسه پذیری صورت های مالی، دانش حسابداری، دوره ۱۰، شماره ۲ - شماره پیاپی ۳۷، صفحه ۲۱-۴۲.
- ۶- ایمنی، محسن و مشعشعی، سیدمحمد. (۱۴۰۱)، بررسی تأثیر محدودیت های حاکم بر استراتژی های مدیریت سود بر به کارگیری استراتژی تغییر طبقه بندی سود، مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۱۹، ش ۷۵، صص ۲۳۶-۲۰۳.
- ۷- برزنونی، فائزه (۱۴۰۲)، بررسی تأثیر حسابرسان بزرگ و استقلال هیئت مدیره بر کاهش تغییر طبقه بندی سود، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی بصیر - آیک، گروه علوم انسانی .
- ۸- بشیری منش، نازنین، مداح، احسان و فهیمه، آگاهی. (۱۴۰۱)، تأثیر سوگیری رفتاری مدیران بر استراتژی های حسابرسان در مواجهه با ریسک حسابرسی، دوره ۱، شماره ۳، صفحه ۲۵-۵۲
- ۹- تهرانی، رضا و دلشاد، افسانه. (۱۳۹۷). "بررسی تأثیر کوتاه بینی مدیران بر عملکرد مالی آتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". پژوهش حسابداری، دوره ۲، ش ۸، صص ۴۶-۲۳.
- ۱۰- جعفری، علی؛ ملکی، عاطفه و بیداروند، رضا. (۱۴۰۰). رابطه مقایسه پذیری صورت های مالی و ساختار سررسید بدهی. چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۴، ش ۴۶، صص ۱۵-۱.
- ۱۱- جمشیدی نوید، بابک، منصوری، مریم. (۱۴۰۰). مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها و مقایسه پذیری صورت های مالی. پیشرفت های مالی و سرمایه گذاری، دوره ۲، ش ۲، صص ۸۶-۵۹.
- ۱۲- حاجیها و چناری بوکت (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر قابلیت مقایسه صورت های مالی بر مدیریت سود واقعی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش های حسابداری مالی، دوره ۹، ش ۳، صص ۴۸-۳۳.
- ۱۳- حسن زاده کوچو؛ محمود و مهدی نیا اسبویی، امین. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر خودشیفتگی مدیران بر ارزش شرکت ها. فصلنامه علمی تخصصی رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، دوره ۶، ش ۲۱، صص ۱۷۷۶-۱۷۶۲.
- ۱۴- حسین پور، آرش؛ رنجبر، محمد حسین؛ اسدنیای؛ جهانبخش، احمدی فائق. (۱۴۰۲). تأثیر شناخت سوگیری های رفتاری مدیران بر گرایش های احساسی سرمایه گذاران از طریق فرایند تحلیل سلسله مراتبی خاکستری. دانش سرمایه گذاری، دوره ۱۲، ش ۴۷، صص ۶۴۰-۶۰۵
- ۱۵- حمیدیان، محسن؛ بزرگمهریان، شاهرخ؛ جنت مکان، حسین. (۱۳۹۷)، نقش تخصص حسابرس در صنعت در پیشگیری از اعمال تغییر طبقه بندی فرصت طلبانه اقلام صورت سود و زیان. پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۰، ش ۳۸، صص ۱۱۳-۹۳.
- ۱۶- خزایی، مهدی، زلّقی، حسن و افلاطونی، عباس، (۱۴۰۰)، بررسی نقش تعدیل گر ساختار مالکیت بر رابطه قابلیت مقایسه صورت های مالی و مدیریت سود، پژوهش تجربی حسابداری، ش ۱۱، دوره ۳۹، صص ۲۲-۱.
- ۱۷- خواجهی، شکرالله و رحمانی، محسن، (۱۳۹۷)، بررسی اثر خودشیفتگی مدیران بر خطر سقوط قیمت سهام: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار، دوره ۱۱، ش ۳۷، صص ۱۵-۱.

- ۱۸- رضایی، یاسر و عبدالحی احمد. (۱۳۹۸)، مقایسه پذیری صورت‌های مالی و احتمال گزارشگری متقلبانه، پژوهشهای حسابداری مالی، دوره ۱۱، شماره ۲، شماره پیاپی ۴۰، صص ۱۰۴-۸۹.
- ۱۹- رضایی، زینب و کیانی، فاطمه. (۱۴۰۰). بررسی تاثیر عدم اطمینان اقتصادی بر رابطه بین مقایسه پذیری صورت‌های مالی و خطر سقوط قیمت سهام در بورس اوراق بهادار تهران، پیشرفت های مالی و سرمایه گذاری، دوره ۲، ش ۴، صص ۱۰۵-۷۳.
- ۲۰- سجادی، زانیار؛ پاریاد، احمد؛ الانی، افشین. (۱۴۰۱). تاثیر ویژگی های هیئت مدیره بر رابطه بین ساختار مالکیت و تغییر طبقه بندی سود، مجله دانش حسابداری، دوره ۱۳، ش ۱، صص ۱۸۴-۱۶۷.
- ۲۱- شالی گر، مجتبی، (۱۴۰۰)، بررسی تاثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیریتی بر محافظه کاری مشروط و مدیریت سود واقعی، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی خزر - محمودآباد، دانشکده فنی مهندسی.
- ۲۲- شکری دوح آبادی، محمد؛ مرادی، مهدی. (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و مدیریت سود . پیشرفت‌های حسابداری، دوره ۱۱، ش ۱، صص ۲۰۰-۱۷۱.
- ۲۳- صالحی، اله کرم. ویسی زاده، هنگامه (۱۴۰۱). تاثیر قابلیت مقایسه صورت های مالی بر ساختار سررسید بدهی ها با تاکید بر نقش بیش اعتمادی مدیران، پژوهش های مالی و رفتاری در حسابداری، دوره ۲، ش ۱، صص ۱۰۹-۹۰.
- ۲۴- صالحی، اله کرم؛ عچراوی؛ جواد، فرهانیان، عبدالکریم. (۱۴۰۰)، تاثیر خودشیفتگی مدیران بر سرعت تعدیل نگهداشت وجه نقد با تاکید بر نقش توانمندی مدیران در بورس اوراق بهادار تهران . مطالعات اخلاق و رفتار در حسابداری و حسابرسی، دوره ۱، ش ۱، صص ۱۴۰-۱۱۳.
- ۲۵- ضیغمی، پریرسا، (۱۳۹۸)، بررسی تاثیر بیش اطمینانی مدیران بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی علم و فن آوری شمس، گروه علوم انسانی.
- ۲۶- عبدالرضائی، سبجان؛ جنانی، محمد حسن؛ همت فر، محمود. (۱۴۰۱). خودشیفتگی مدیران و سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه . فصلنامه تحلیل بازار سرمایه، دوره ۳، ش ۲، صص ۱۳۹-۱۱۲.
- ۲۷- عبدالحی، مهدی. (۱۴۰۱)، بررسی رابطه بین ویژگی های موسسه حسابرسی و تغییر طبقه بندی سود با نقش تعدیلگری عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیر و حسابرس، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه کردستان، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی
- ۲۸- عزیزاده، رسول. (۱۴۰۰)، بررسی رابطه بین مقایسه پذیری صورت‌های مالی و ساختار سررسید بدهی با تأکید بر نقش هزینه نمایندگی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، دانشکده علوم انسانی
- ۲۹- قادری، بهمن؛ کفعمی، مهدی و کریمی، فرشاد. (۱۳۹۷)، بررسی تأثیر عوامل مالی و غیرمالی مؤثر بر شکاف مالیاتی، چشم انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۱، ش ۲، صص ۱۶-۱.
- ۳۰- کامیابی، یحیی؛ خدای پور، احمد (۱۳۹۷)، اثر رفتارهای کوتاه‌بینانه و خوش‌بینانه مدیریت بر شفافیت اطلاعات مالی، پژوهش های کاربردی در گزارشگری مالی، دوره ۷، شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۳، صص ۱۴۱-۱۷۷.

- ۳۱- مران جوری، مهدی و راضیه، علی خانی. (۱۳۹۹) تبیین اثر تعدیل کنندگی خودشیفتگی مدیران بر رابطه بین عدم اطمینان محیطی و افشای مسئولیت اجتماعی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دان حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۹، ش ۳۵، صص ۲۷۲-۲۶۳.
- ۳۲- ملک آرا، لیلا، (۱۴۰۲)، بررسی تأثیر تغییر در طبقه بندی سود بر کارایی سرمایه گذاری با تأکید بر اثر مالکیت نهادی، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی آفاق، دانشکده اقتصاد و علوم انسانی.
- ۳۳- مهدی پور، مرضیه، (۱۴۰۴)، بررسی تأثیر اجرای استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی بر رابطه بین مقایسه پذیری صورت های مالی و شکاف مالیاتی، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مسجدسلیمان، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- ۳۴- نمازی، محمد، دهقانی سعدی، علی اصغر، قوهستانی، سمانه. (۱۳۹۶). خودشیفتگی مدیران و استراتژی تجاری شرکت ها. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۶، ش ۲، صص ۵۱-۳۷.
- ۳۵- هاشمی دهچی، مجید؛ ایزدی نیا، ناصر؛ امیری، هادی، (۱۴۰۰)، تأثیر قابلیت مقایسه صورت های مالی بر مربوط بودن اطلاعات، حسابداری با تأکید بر نقش سرمایه گذاران متخصص و عدم تقارن اطلاعاتی. بررسی یهای حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۷، ش ۳، صص ۴۹۴-۴۷۳.
- 36- Ahmed, M. Abdalla, Colin. D. B. Clubb,(2024),Classification shifting using income-decreasing special items: measurement and valuation issues Review of Accounting Studies, <https://doi.org/10.1007/s11142-023-09770-z>
- 37- Ahmed, M. Abdalla, Colin. D. B. Clubb,(2023),Classification shifting using income-decreasing special items: measurement and valuation issues Review of Accounting Studies, <https://doi.org/10.1007/s11142-023-09770-z>
- 38- Bansal, M., & Bashir, H.A. (2022). Business strategy and classification shifting: Indian evidence. Journal of Accounting in Emerging Economies. <https://doi.org/10.1108/JAEE-03-2021-0099>
- 39- Beatty, A., Ke, B., and Petroni, K. (2002). "Earnings management to avoid earnings declines across publicly and privately held banks". The Accounting Review, Vol. 77, Pp, 547-570.
- 40- Ben-David, I., Graham, J.R. & Harvey, C.R, (2010), "Managerial Misclassification", Working paper, Duke University.
- 41- Campbell, C. & Johnson, S. & Rutherford, J. & Stanley, B. (2011). CEO Optimism and Forced Turnover. Journal of Financial Economics, 3 (101): 695-712.
- 42- Chen, F. H., & Howard, H. (2016). An alternative model for the analysis of detecting electronic industries earnings management using stepwise regression, random forest, and decision tree. Soft Computing, 20(5), 1945-1960
- 43- Choi, H. Huiqi, G. SangHyun, S.U. (2024), "Managerial overconfidence and classification shifting" Journal of Accounting and Public Policy, Volume 43, <https://doi.org/10.1016/j.jaccpubpol.2023.107176>
- 44- Chowdhury, J. (2012). Managerial Myopia: A New Look. Available at SSRN 1991429
- 45- Cohen, D; Zarowin, P. (2016). Accrual-based and real earnings management activities around seasoned equity offerings. Journal of Accounting and Economics, 50 (1), 2-19.
- 46- De Franco, G., Kothari, S. P., & Verdi, R. S. (2011). The benefits of financial statement comparability. Journal of Accounting Research, Vol. 49, No. 4, Pp. 895-931
- 47- Dye, W, (2002), "Empirical Evidence on the Effect of Audit Structure on Audit Pricing", Auditing: A Journal of Practice and Theory, 13(2), PP. 25- 4

- 48- Engelberg, J., Ozoguz, A., & Wang, S. (2016). Know thy neighbor: industry cluster, information spillover and market efficiency. *Journal of Finance. Quant. Anal.* (forthcoming)
- 49- Ewert, R., & Wagenhofer, A. (2005). Economic effects of tightening accounting standards to restrict earnings management. *The Accounting Review*, Vol. 80, Pp. 1101–1124
- 50- Francis, J., Allen, H., Rajgopal, S., & Amy, Y. (2008). CEO reputation and earnings quality. *Contemporary Accounting Research*, Vol. 25, No. 1, Pp. 109-147.
- 51- Fun ,Yan. Barua,Abhijit. M, Cready,William . B,Thomas,wayne, (2010), “Managing Earnings Using Classification Shifting : Evidence from Quarterly Special Items”, *Accounting Review* , Vol. 85, No. 4, PP. 1303-1323
- 52- Godfrey, R.H. and Jones R.L, (1999), “Automatic Data-Processing Systems:Principles and Procedures”, Belmont, 2nd edition, San Francisco: Wadsworth Publishing Company
- 53- Gong, G., Li, L., & Zhou, L. (2013).Earnings non-synchronicity and voluntary disclosure. *Contemporary Accounting Research*, 30 (4), 1560–1589.
- 54- Harris, M., & Muller, K. (1999). The market valuation of IAS versus US-GAAP accounting measures using Form 20-F reconciliations. *Journal of Accounting and Economic*, Vol. 26, Pp. 285–312
- 55- Haw, I.M., Ho, S.S. M., Li, A.Y. (2011), Corporate governance and earnings management by classification shifting, *Contemporary Accounting Research*, 28 (2), 517-53
- 56- Healy, P., Wahlen, M. (1999). A review of the earnings management literature and its implications for standard setting. *Accounting Horizons*, 13, 365-383.
- 57- Hurwitz, H. (2018). Investor sentiment and management earnings forecast bias,*Journal of Business Finance & Accounting*, 45(2), pp 166-183
- 58- Jiang, X., & Zhang, G. (2016). Managerial Myopia, Measurement Rules and Investment Efficiency. Available at: SSRN 2797488
- 59- Jones, J. (۱۹۹۱). Earnings management during import relief investigations. *Journal of Accounting Research* ۲۹, ۱۹۳-۲۲۸
- 60- Kałdoński ,Michał, Tomasz Jewartowski and Jacek Mizerka,(2019), Capital market pressure, real earnings management, and institutional ownership stability - Evidence from Poland ,*International Review of Financial Analysis*,<https://doi.org/10.1016/j.irfa.01.009>
- 61- Kim J.B, Sohn B.C.(2008). Real versus Accrual-based Earnings Management and Implied Cost of Equity Capital,Analysis.Availabl from:<http://ssrn.com/abstract=۱۲۹۷۹۳۸>
- 62- Kim, J. B., Li, L., Lu, L. Y., & Yu, Y. (2016). Financial statement comparability and expected crash risk. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 61, No. 2-3, Pp. 294-312.
- 63- Kim,jb. Kevin,T. Jundong,W.(2024),”Policy uncertainty, bad news disclosure, and stock price crash risk”*Journal of Empirical Finance*,Volume 78, <https://doi.org/10.1016/j.jempfin.2024.101512>
- 64- Lin, H.Y. and Radhakrishnan and Su Jahng,G.J, (2011), “Determinants of Audit Report Lag: Evidence from Korea-an Examination of Auditor-Related Factors”, *Journal of Applied Business Research*, 24(2), PP. 27-44
- 65- Lin.f. Sheng,w. Wen-Chang. F.(2022).Impact of CEO narcissism and hubris on corporate sustainability and firm performance,*The North American Journal of Economics and Finance*,Volume 59,<https://doi.org/10.1016/j.najef.2021.101586>
- 66- Malikov, K., Manson, S., Coakley, J. (2018). Earnings management using classification shifting of revenues. *The British Accounting Review* 50(3), 291-305
- 67- Malmendier, U., Tate, G., and Yan, J., (2016), Overconfidence and Early-Life Experiences: The Effect of Managerial Traits on Corporate Financial Policies, *Journal of Finance* 66(5) , pp.1687 -1733
- 68- Mao ,X , ,HaoSun,, Xiaoqian , Zhu ,Jianping, Li,(2022),” Financial fraud detection using the related-party transaction”, *Procedia Computer Science* Volume 199, 2022, Pages 733-740

- 69- McNichols, M. F., and G. P. Wilson.(۱۹۸۸), Evidence of Earnings Management from the Provision for Bad DNIs, *Journal of Accounting Research*, ۲۶: ۱-۳۱
- 70- McVay, S. (2006), Earnings management using classification shifting: An examination of core earnings and special items", *The Accounting Review*, 81(3), 501-31
- 71- Nguyen Thanh Liem, (2021). "Accounting comparability and accruals-based earnings management: Evidence on listed firms in an emerging market," *Cogent Business & Management*, Taylor & Francis Journals, vol. 8(1), pages 169-192.
- 72- Olsen, K. J. and J. M. Stekelberg. (2016). CEO Narcissism and Corporate Tax Sheltering, *Journal of the American Taxation Association*, 38 (1), 1-22.
- 73- Olsen, K. J.; K. K. Dworkis; and S. M. Young. (2014). CEO Narcissism and Accounting: A Picture of Profits, *Journal of Management Accounting Research*, 26: 243-267.
- 74- Qiao,P.Yang,L. Fung,H-G. Kao.EHC.(2023),Narcissistic leaders and corporate cash Holdings: Evidence in China,*The North American Journal of Economics and Finance*,V 59,PP 125-165.
- 75- Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of Accounting and Economics*, 42, 335-370.
- 76- Shan.b. Liu.x. Chen.b.(2023), CEO narcissism and corporate performance in China, *China Economic Review* Volume 79,pp 1-20. <https://doi.org/10.1016/j.chieco.2023.101970>
- 77- Sohn, B. C. (2016). The effect of accounting comparability on the accrual –based and real earnings management. *Journal of Account Public Policy*, 35(5), 513 -539.
- 78- Wang ,K Tracy .Yue,W,Aonan,S. (2021), Acquisitions and the cost of debt: Evidence from China, *International Review of Financial Analysis*,Volume 78, <https://doi.org/10.1016/j.irfa.2021.101925>
- 79- zang.A., & Arun, Tau.K. (2018). Earnings management & corporate social responsibility: UK evidence. *Journal of Financial Reporting & Accounting*

The Effect Managers' behavioral bias and Comparability of Financial statements on classification shifting opportunistic of income statement items in tehran stock exchange

Abstract

One of the new methods of earnings management is earnings management through reclassification. In this method, the company's earnings are manipulated without changing the company's net profit, only by changing the classification of expenses and revenues. Given the importance of various earnings management methods; the purpose of this study is to examine the effect of managers' behavioral biases and the comparability of financial statement information on opportunistic reclassification of income statement items in the Tehran Stock Exchange. The behavioral bias of managers in this study included managers' overconfidence, narcissism, and short-sightedness. For this purpose, information from 144 companies selected by systematic elimination method during the period 2017 to 2023 was used. The results of the regression model estimation showed that managers manage earnings by changing the classification of financial statement items. The results also showed that managers' behavioral biases increase earnings management through opportunistic reclassification of income statement items. In other words, overconfident and narcissistic managers, based on behavioral finance theory, unconsciously tend to ignore negative feedback. Therefore, believing that they are maximizing the long-term value of shareholders' wealth by continuing investment projects, they hide negative feedback from investors and, in order to prevent shareholder intervention, change or manipulate the reported information in a favorable way to convince investors that the progress of current projects is in line with expectations. The results also indicated that the comparability of financial statement information led to a decrease in earnings management through opportunistic reclassification of income statement items, and a negative and significant relationship was observed between them. In other words, unlike earnings management based on accruals and real items, with increasing comparability, the possibility of detecting earnings management resulting from reclassification will be greater; Because the management of earnings resulting from reclassification is done by moving income and expense items and does not change the overall reportable earnings and it is also easier to detect.

Keywords

Reclassification earnings management, behavioral bias of managers, comparability of financial statements
